

شهادت جانسوز دخت نبی مکرم اسلام، بانوی آفتاب و آزادگی، شکوه ایمان و آگاهی و اعتقاد، مظهر خوبی و خیرخواهی و مهر بانی، پارهٔ تن رسول خدا<sup>(ص)</sup>، ام اییها، حصرت فاطمه زهرا<sup>(س)</sup> بر رهروان حقیقت تسلیت و تعزیت باد

**جان کری: ادعاهای نخست‌وزیر اسرائیل  
درباره برنامه هسته‌ای ایران، دروغ است**

\* وزیر خارجه سابق آمریکا: اسرائیل، عربستان و مصر از ما خواستند به ایران حمله کنیم  
\* وزیر خارجه سابق سوئد: لفاظی نتانیاها در باره برنامه هسته ای ایران، جنگ طلبانه است

صفحه ۱۶

دوشنبه ۳۰ بهمن ۱۳۹۶ - ۲ جمادی الثانی ۱۴۳۹ - ۱۹ فوریه ۲۰۱۸ - سال نود و دوم - شماره ۲۶۹۴۵ - ۱۶ صفحه به همراه ۸ صفحه ضمیمه - استان های تهران و البرز - ۵۰۰ تومان - سایر استان ها ۳۰۰ تومان

### رهبر معظم انقلاب در دیدار پرشور هزاران نفر از مردم متدین و انقلابی تبریز:

# اشرافیگری، بی توجہی بہ مستضعفان

# و اعتماد به مگانه، آفت انقلاب است

نه فقط از دولت و قوه قضائیه و مجلس، بلکه ممکن است فردی از شخص حقیر نیز انتقاد داشته باشد

**انتقاد هیچ منافاتی با ایستادگی پای نظام اسلامی و انقلابی برآمده از پایداری ملت و فداکاری صدها هزار شهید ندارد**

و اهیمایی پرشور و متفاوت مردم در ۲۲ بهمن امسال در آستانه ۴۰ سالگی انقلاب، شبیه معجزه است

مردم به برخی مسائل جاری کشور انتقاد دارند و ماکام‌آلآن انتقادها را میانه‌ها و شکوه‌های آنها مطلع هستیم. اما وقتی پای انقلاب و نظام در میان است، مردم این گونه در دفاع از انقلاب به صحنه می‌آیند

حضور خردمندانه مردم ناشی از وجود «گاهی انقلابی» در نظام سیاسی» و ملت و توانایی آنها در تفکیک «نظام انقلابی امت و صامت» یا «تشکیلات دیوانسالاری کشور» است

مردمسالاری یعنی «مردم را در همه امور زندگی صاحب رأی و دخیل و تصمیم‌قرار دان» است

امروز یک کشور منطقه با وجود فروش روزانه ۱۰ میلیون بشکه نفت و در اختیار داشتن نفت‌پز این پول، شوروی عقب‌مانده است

«ضررت آیت‌الله خامنه‌ای بر ضرورت عزز خواهی از خداوند

مردم به خاطر عقب افتادن در زمینه عدالت تاکید کردند

در تبلیغات ضعیف، کم‌کار و کم‌بستار هستیم که باید جبران کنیم

خطرانی انقلاب را در معرض آسیب قرار می‌دهد

مردم به حساسیت، رفتار ماستن‌لان و مدیران راحت‌تخت نیستند

اشته باشند تحركات ارتجاعی در کشور اتفاق نیفتد

و نیز مردم خود خاره که باید از تشکر کرد، به خبابت آمریکایی‌ها

به نعل و به میخ زند آورایی‌ها، برخورد خیلی خوب و قوی دارد

که این راه باید ادامه یابد

صفحه ۲

صفحه ۲

A large crowd of people, many with their hands raised, gathered in a public square, likely during a protest or rally. The image shows a dense assembly of individuals, mostly men, with many raising their right hands in a gesture of approval or protest. The crowd is filling a large open space, and the atmosphere appears to be one of intense participation.

**ظریف: سیرک کارتونی نتانیاہو  
ارزش پاسخ ندارد**

۲. علیرغم تلاش فریبکارانه نتانیاهو، برجام حفظ خواهد شد

صفحة ٢

\* برخی از همسایگان  
 از فرصت حضور در این  
 نشست (مونیخ) برای  
 اتهام وارد کردن به ایران  
 استفاده کردند  
 \* شکست داعش به این معنا  
 نیست که تهدید افراط گرایی  
 از منطقه و فراتر از منطقه از  
 بین رفته است  
 \* سقوط جنگنده اسرائیلی  
 در چند روز پیش  
 نشان داد اسطوره دولت  
 شکست ناپذیر (اسرائیل)  
 فرو ریخته است  
 \* اگر احساس کنیم آنچه

## آخر احساس کیم اچہ

اقتصادی

راهنمای دولتی  
و شاخص های  
اقتصادی

صفحه ۷

نظری‌های اندیشه‌ها  
اخلاق کاربردی  
و حرفه‌ای  
گوران کُست  
صفحه ۶

A photograph of a blue car carrier trailer loaded with several yellow taxis. The taxis are arranged in two rows on the trailer, with their front ends facing the front of the trailer. The scene is outdoors on a paved surface under a clear sky.

گزارش  
چرا ایران  
صادرکننده بزرگ  
خودرو نشد؟  
صفحه ۵

پاور پوائنٹ

کیک

و افراد دور میز

فتح اللہ آملی

صفحہ ۲

نوبت اول



## آگهی مناقصه عمومی

### یک مرحله ای

شرکت آلومینای ایران

ردیف	شماره و تاریخ مناقصه	موضوع مناقصه	شرایط داوطلبین
۱	۹۶/۷۳۵ ۹۶/۱۱/۲۲	بارگیری و حمل باطله در معدن تاش	الف- در اختیار داشتن امکانات عملیاتی و اجرایی، مدیریت، توانایی مالی، ماشین آلات، و تجربیات مفید و مکفی در زمینه کار موضوع مناقصه ها ب- ارائه صلاحیت معتبر از مراجع ذیصلاح در رشته مرتبط با موضوع مناقصه
	۹۶/۷۳۶ ۹۶/۱۱/۲۲	بارگیری و حمل مواد معدنی در معدن تاش	

(۱) نام و نشانی مناقصه گراز: شرکت آلومینای ایران وابسته به سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران.

(۲) مهلت خرید و دریافت اسناد مناقصه: از تاریخ درج آگهی نوبت دوم (مورخ ۱۳۹۶/۱۲/۷ بمدت ۷ روز می باشد.

(۳) نشانی محل دریافت اسناد مناقصه: استان خراسان شمالی - شهرستان جاجرم - شرکت آلومینای ایران - واحد امور حقوقی و قراردادها در ضمن دریافت اسناد مناقصه از سایت شرکت آلومینا ([www.iranAlumina.ir](http://www.iranAlumina.ir)) نیز امکان پذیری می باشد.

(۴) قیمت خرید اسناد: //۱,۰۰۰,۰۰۰ (یک میلیون) ریال است که باید به شماره حساب راقیبر ۴۷۲۵/۵۸۰۰ نزد بانک تجارت شعبه جاجرم کد ۴۷۲۵ به نام شرکت آلومینای ایران واریز گردد.

(۵) نشانی محل تحویل اسناد: استان خراسان شمالی - شهرستان جاجرم - دبیرخانه امور اداری شرکت آلومینای ایران.

توضیح اینکه: سایر شرایط، در اسناد مناقصه مشخص گردیده است و داوطلبین می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۰۵۸-۳۳۶۰۴۴۶۷ تماس حاصل فرمایند.

رابطه عمومی شرکت آلومینای ایران

نوبت اول		آهک مزایده عمومی یک مرحله ای	
		موضوع مزایده: شرکت کشت و صنعت و دامپروری مغان (سهامی عام) در نظر دارد: محصولات مجتمع باغی میوه خود در سال ۱۳۹۷ را به صورت سرختری در ۱۲ بخش باغی مجزا بدون در نظر گرفتن تناژ طبق جدول زیر براساس شرایط و مشخصات مندرج در اسناد مزایده به فروش برساند: تیمهره: ۱۰ کیلوگرم تنگنه حقیقی یا حقوقی می تواند به یک یا چند تن از بخش های ۱۲ گانه میوه به صورت جداگانه پیشنه ارائه نماید. تیمهره ۲: ۱۵ کیلوگرم برنده مزایده بالاترین قیمت پیشنهادی برای هر بخش می باشد. توضیح اینکه سلوچ قد شده در جدول ذیل بر حسب سطح مفید در نظر گرفته شده است.	
فصلیات واحدهای مجتمع باغی میوه:		شرح ارقام	
ردیف بخش	نوع میوه	مساحت مفید به هکتار	محل قطعه
۱	هلو	۲۸٫۵	۵ واحد
	شلیل	۴۸	۵ واحد
۲	هلو	۲۷	۱۰ واحد
	سیب	۴٫۵	۱۰ واحد
۳	هلو	۸۱	۱۰ واحد
	شلیل	۵۲	۱۱ واحد
۴	هلو	۵۲	۱۱ واحد
	شلیل	۵۲	۱۱ واحد
۵	هلو	۱۲۳٫۵	۱۳ واحد
	شلیل	۱۹	۱۳ واحد
۶	هلو	۵۴٫۵	۱۳ واحد
	شلیل	۲۵	۱۴ واحد
۷	هلو	۳۱	۱۴ واحد
	آلبالو	۲۱	۱۴ واحد
۸	گوجه سبز	۱۹	۱۴ واحد
	زردآلو	۲۵	۱۴ واحد
۹	هلو	۲۳۴	۱۴ واحد
	شلیل	۱۳۳٫۵	۱۷ واحد
۱۰	هلو	۱۱۳	۱۷ واحد
	شلیل	۱۱۳	۱۷ واحد
۱۱	هلو	۶۳	۱۷ واحد
	شلیل	۱۱۳	۱۷ واحد

[illegible][illegible]

دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی مازندران

**اصلاحیه و تمدید آگهی مناقصه عمومی**

**احداث اسکلت فاز ۲ بیمارستان ناهن الاثمه**

**شهرستان کلوگاه**

شماره: ۴/۱۴/۱۷۳

\* **منافسه گزاف:** دانشگاه علوم پزشکی خدمات درمانی استان مازندران

\* **موضوع اصلاحیه مناقصه:** حذف عملیات لاشه چینی با ملات ماسه و سیمان زیر پی و اجرای وال پست دیوارها در احداث اسکلت بتنی فاز ۲ بیمارستان ناهن الاثمه شهرستان کلوگاه (در صورت لزوم در حین اجرای کار توسط کارفرما؛ با پیمانکار ابلاغ خواهد شد).

\* **برآورد اجرای پروژه:** براساس فهرست بهای ابنیه سال ۹۶: ۱۳۰/۸۵۲۶۰/۱۳۰ ریال

\* **مدت اجرای پروژه:** ۶ماه از زمان تحویل زمین

\* **محل تأمین اعتبار:** اعتبارات عمرانی تملک دارایی

\* **روش عقد قرارداد:** براساس پیشنهادنامه قرارداد درجی بدون تعدیل

\* **میزان پیش پرداخت:** ۲۰٪ مبلغ پیمان مطابق آیین نامه تضمین معاملات دولتی

\* **مهلت تحویل پاکت های مناقصه:** ساعت ۱۵ روز شنبه ۹۶/۱۲/۵

\* **مبلغ تضمین شرکت در مناقصه:** ۶۵۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال

\* **محل تحویل پاکت های مناقصه:** ستاری، میدان امام، سهراه جویبار، ستاد مرکزی دانشگاه علوم پزشکی مازندران، طبقه ۴، مدیریت حراست دانشگاه

\* **زمان بازگشایی:** ساعت ۹ صبح یکشنبه ۹۶/۱۲/۶ در محل دفتر معاونت توسعه دانشگاه

\* **شماره تلفن:** ۰۱۱-۳۳۰۴۴۳۳۰ آماده پاسخگویی به سؤالات مربوط به مناقصه می باشد.

## جشنواره نوروزی ۹۷

# ماکسیم

پوشاک نسل امروز... و فردا

# maxim

# ۳۰٪ تخفیف ویژه



ضایعه درگذشت فرزند عزیزتان را به شما و خانواده محترم تسلیت می‌گوییم. از خداوند متعال برای آن مرحوم رحمت و مغفرت و برای بازماندگان محترم صبر و اجر مسألت داریم.

محمد علی انتظار مهدی - احمد جلالی - همایون حاجی خانی - عزیزا... حاجی ولی - هادی خانیکی - احمد دوست حسینی - اصغر شاپوریان - مر تضی شاپوریان - عباس شیردست - اکبر صابری - اسد... عابدی - مر تضی فروتن - محمد کاظم مر وچ - محمد علی وحدتی

از آموزه‌های تربیتی در زندگی  
حضرت فاطمه زهرا (س)

پلی اکبر حسینی، مسعود حسین چاری، فریده یوسفی  
قطع رقعی، ۱۰۴ صفحه چاپ چهارم

ده در مکتب اسلام از یک سو سرگرم پرستش خداوند و از  
بروزنده خانهای آکنده از صمیمیت و صفا است؛ مسلمانی  
و معاش و صحنه سیاست؛ دختری است پاک و عقیق، در عین  
و برای پدر است؛ همسری آرمانی است برای شوهرش،  
تمام عمر، یک بار هم کلمه دلسرد کننده‌ای در زندگی  
انقضی جاری نشده؛ مادری است که آزادترین انسان‌هایی که  
بودند در دامان خود پرورش داد؛ او مدیر خانهای است که  
بسیع تاریخ بر توفاشانی می‌کند؛ آزادهای که از آلودگی‌ها  
ست و با گیر دنیا، از قید و بندهای خرافاتی و زرق و برق‌های  
از این رو نمونه آزادی و آزادمنشی است...

طمه زهرا (س) را از نظر خواننده بگذراند و او را با برخی از

ترو، ساختمان روزنامه اطلاعات، تلفن: ۲۹۹۹۳۶۸۶  
دانشگاه تهران، تلفن: ۶۶۴۶۰۷۳۴  
بیع و فروش: ۲۹۹۹۳۲۴۲، ۲۹۹۹۳۲۰۶  
س حاصل فرمایید.

www

«**آنانله و اتانابه راجعون**»

بدینوسیله به اطلاع می‌رساند، در ایام سوگواری حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا (س) والده ماجده جناب آقای مجتبی بهرامعلی رئیس محترم کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران، دعوت حق را الیک گفت و به دیار باقی شتافت.

ضمن تسلیت به ایشان و سایر باز ماندگان، از خداوند متعال برای آن مرحومه غفران و واسعه مسئلت داریم.

مراسم یادبود آن فقیده سعیده، روز سه‌شنبه مورخ ۱۳۹۶/۱۲/۰۱ از ساعت ۱۶:۳۰ در مسجد نور واقع در میدان فاطمی برگزار می‌شود.

**هیئت مدیره کانون کارشناسان رسمی دادگستری**

پیرو آگهی منتشره در روزنامه های دنیای اقتصاد شماره ۲۴۶۶ مورخ ۱۳۹۶/۱۱/۲۴ و روزنامه اطلاعات شماره ۲۶۹۴۰ مورخ ۱۳۹۶/۱۱/۲۴، در خصوص برگزاری جلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق العاده در ساعت ۱۶ روز شنبه مورخ ۱۳۹۶/۱۲/۰۵، بدینوسیله به اطلاع کلیه سهامداران محترم بانک می‌رساند برگزاری مجمع مذکور در زمان اعلامی لغو و تصمیم‌گیری درمورد دستورالعمل جلسه به‌جمع‌بندی که تاریخ آن متعاقب اعلام خواهد گردید منکول می‌گردد.

**هیئت مدیره بانک تجارت (شرکت سهامی عام)**

**گنج**

انتشارات اطلاعات منتشر کرد:

نوشته دکتر س...

...این زن تربیتی  
سویی دیگر فر  
است حاضر در  
حال عزیزترین  
به نحوی که  
مشتريشان  
حافظ شرف و  
با همه کوچکي  
وابستگي هاي

اطراف آزاد است؛ هيچ چيز مانع از پرواز و علو روح او نيسـ  
اين كتاب بر آن است تا گوشه هايي از سيره تربيتي حضـ  
زواياي تربيتي زندگي اين بانوي يگانه اسلام آشنا سازد.

فروشگاه مرکزی : تهران بزرگراه حقانی، روبروی ایستگاه  
فروشگاه شماره (۱): تهران خیابان انقلاب اسلامی، روبروی  
نمایندگی های روزنامه اطلاعات در سراسر کشور، تلفن: ۲۹۹۹۳۳۰۶  
برای خرید پستی در سراسر کشور با تلفن ۲۹۹۹۳۳۰۶  
آدرس سایت فروشگاه اینترنتی : [tabtellaat.com](http://tabtellaat.com)



















## اطلاعات

**سطوری در صفات و خاطرات دکتر شفیعی کدکنی**

## ستارهٔ نشابور

<b>سیدمسعود رضوی</b>	
<span></span>	
<b>بخش دوم</b>	
<b>دیدار شد میسر و...</b>	

در همان سالها، گاهی ایشان را در محوطهٔ دانشگاه یسا در کتابفروشی‌های روبروی دانشگاه می‌دیدم. چه ششغفی داوودت وقتی دست تصادف این دیدارها را میسر می‌کرد و احوالپرسی و پرشش و پاسخی کوتاه را... یک روز که از محل کارم در ابتدای فرخ‌زادی بیرون آمدم تا بروم و سوپ جو یا لوبیایی را یکی از ساندویچ‌فروشی‌های همان محله بخورم، استاد را در کتابفروشی حوالی دیدم. از معدود وقتهایی بود که

تاریخ و تقریباً تنها بودند؛ اما من مجال فراغت را سلب کردم. آن موقع جزوهٔ «سبک‌شناسی» دکتر محمود عبادیان را در ویرایش خودم و زحمت زیاد در انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران منتشر کرده بودم. یک نسخه همرا داشتیم. سلام کردم و درآمدی بر سبک و سبک شناسی در ادبیات، نوشتهٔ دکتر عبادیان را تقدیمشان کردم. بادم نمی‌رود که شادمانه قلداری و در لحظه تروق کردند. روی یک صفحه، درنگی داشتند و کلمات تحسین‌آمیزی گفتند. آخر سر به احوط کلام فرمودند حتماً کتاب خوبی است و سلام به آقای عبادیان برسانید.

باری دیگرنیز استاد را در کتابخانه مرکزی دانشگاه یافتیم و فرصتی پیش آمد تا پرسش‌هایی بکنم. از جمله این سؤال که ذهنم را برانگیخته بود: «به نظر شما، عرفان و تصوف اسلامی، خصوصاً این بخش که مربوط به ایران و خراسان است، چقدر ریشه در تعالیم هند و ایران باستان دارد و چقدر متأثر از اسلام و قرآن کریم است؟» دقیقاً به خاطر دارم که فرمودند: «بیش از نود درصد از منابع اسلامی و قرآن مایه و منشا گرفته است»، این پاسخ قاطع سبب شد تا در خوانش و تأثیرپذیری از چند کتاب که در آن زمان می‌خواندم و صیغه‌هایی متفاوت در برخی داوری‌ها داشت، قدری احتیاط به خرج دهم.

یک بار دیگر در تفرج‌انراهایی بالای دریند استاد را دیدم که همراه برخی دوستان و دانشجوین آمده بودند. به من هم اجازهٔ همراهی دادند. همان‌جا از ایشان دربارهٔ شعرای معاصر، به‌ویژه شاعران عصر مشروطیت و ارزش شعرشان پرسیدم. به‌صراحت و قطعیت ملک‌الشعرا بهار و ابن‌میرزا را از بقیه تفکیک و برتر قلمداد کردند. من خود نیز تعلقی ژرف به این بزرگ داشتم، اما پاسخ استاد تردیدها را از میان برد و سبب شد سالیان دراز دواوین ملک و ایرج را نزدیک خود نگاه دارم و بیشتر بخوانم و بهره بگیرم.

پس از فارغ‌التحصیلی از دانشگاه و ورود به کار مطبوعات، مجدداً خدمت استاد شفیعی می‌رسیدم. این بار نه فقط در دانشگاه، بلکه گاهی

در منزل حضرت استاد که حکم کتابخانه‌شان را داشت و در اوایل خیابان میرداماد واقع بود. در آنجا، بعدازظهر سینه‌بسته و گاهی پنج‌شنبه و شاعران نسلهای بعدی، همچون دوست بزرگوار فقید شاعرم قیصر امین‌پور و شمس لنگرودی و بسیاری دیگر از عزیزان. استاد شفیعی برای همه عزیز، و دیدارش برای همگان معتنم بوده و هست.

**یدالله بهزاد کرمانشاهی**

و هنوز از خاطرم نرفته است که او اواخر دههٔ شصت که هنوز اغلب و هوای جنگ و موش‌جباران از کرمانشاه رخت پرینسته بود، به اتفاق دوستی دانشگاهی به آن شهر و به دیدار استاد شاعر بزرگوار زنده‌یاد یدالله بهزادکرمانشاهی رفتم؛ مردی که امید و شفیعی و شهریار و امیری و بسیاری دیگر از خدایتان شاعر معاصر، او را به بزرگی ستوده و شعرش را فحیم و درجه اول دانسته‌اند. در موضوع غزلی از مولانا، نقل قولی از استاد شفیعی کردم و نظر ایشان را خواستم. استاد بهزاد که تمام عمرش را به آموزش‌گری سر کرده و سرآمد علمان بود، بدون مکث و تعارف فرمود: «آنچه آقای شفیعی گفته، جای بحث ندارد. ما جز تأیید موضع ایشان حرفی نمی‌زنیم و وقتی نظر ایشان چنین است، بی‌امورزی و به‌یگدیزی. از آن باب احترام به منزلت و مقام او، منتهاید؛ بلکه از حیث تعهدی که در ادبیات دارد و حائشا که حرف بی‌دلیل و سخن می‌سنند بگردد.»
لحن و بیانی گریزا داشت و مضمون سخن ایشان تقریباً و بلکه یکنواخت همین بود. وجد و حالی در آن دیدار و سخنان بود که از یاد نمی‌رفت.

**داوری استاد حکیمی**
باری دیگر در خدمت استاد ارجمند علوم دینی و حدیث‌شناس و ادیب‌ان معاصر، شیخ محمدرضا حکیمی کرمانی، صاحب کتاب مستطاب «الحیات» بودم که علاقه‌ای زایدبالوصف به کتابش، تفکیک دارد و بلکه سخنگو و مدون آن در عصر ماست. سخن از استاد شفیعی پیش آمد و شعر و ادب خراسان، من به مناسبتی این شعر استاد شفیعی را خواندم:

توانام به تو پیوستن و نی از تو گسستن
نَه بدند تو رهای، نه کنار تو نشستن
ای نگاه تو پناهام، تو ندانی چه گشتی
خانه را پنجره بر مرغِ طوفان زده بستن...

تا آنکه رسیدم به آن دیدار:
امشب اشک من ازین خبدا که چه ظلمی‌ست

ساقهٔ خرم گلدان نگاه تو شکستن!

شد از اشک، و شروع به تحسین شعر و شاعر کرد. خواستم دلجویی بگویم و تحاشات کنم. گفت: بالاخره نیشابور است و شمس و قمری مثل و عطار دارد... گذشتات حرقم تمام شود و ما همان حالت و همان لهجهٔ اصیل خراسانی گفت: «بله، خیرم خورشید و عطار ما است» و شفیعی هم ستارهٔ خراسان و نیشابور است» این سخن استاد و آن حالت، چنان بر دلم نشست که تا از گذشتنِ بیرون امدم، آن صحنه و سخنن را در ذهنم کردم و در اینجا گستاخی می‌کنم و آن نظم نالشته و ناموزن را برهم می‌خواندگان عالی‌مقام نقل می‌کنم.

زبان سپس عطار را مایع دل و جان بخواند
ذکر نِشابور بود، یاد «شفیعی» نمود
ریخت (سرسشک و) وِردِ اختر ایرانِ بخواند

**در محضر استاد آشتیانی**
دیگر، بار هم در مشهد مقدس در خدمت حکیم فقید استاد آقا سید جلال‌الدین آشتیانی بودم. در منزل مشترک دوست درگذشتهٔ همدل ایشان مرحوم حسین لاهوتی که برپوانهٔ او بارها نوشتم و مکرر گفته است: آشتیانی حاکم آشتیانی و شیرین‌سخن بود. نکتهٔ کلام‌های مخصوص در ذات و مصطلحات خاص را این‌ها بهیچ و لحن دلگشای بیان نمی‌کرد. در محفل آقای آشتیانی، هیچ کس احساس خستگی نمی‌کرد مگر خودش که برای تمام و خفتن «ایالله» می‌گفت و به وضو گرد خستگی را از سر و دست می‌شست و از دل و جان می‌سترد.

در یکی از اوقات، نظر دکتر شفیعی را در باب ریشه‌های اسلامی تصوف گفتم و اینکه وی بر این باور است که تصوف اسلامی، نود درصد و بیش از قرآن کریم و از سنن و منابع صدر اول در اسلام سرچشمه گرفته است؛ آشتیانی قدس جلال آشتیانی ابتدا تمجید و تأیید کرد و گفت: «ممکن است خیلی‌ها از سر علاقه به شریعت و تعصب دین، این دعوی را داشته باشند و حتی همین سخن را بگویند؛ اما سخن شفیعی از سر تحقیق و اطلاع است.» به خاطر دارم که حسن آقای لاهوتی شمه‌ای از ایمان و اعتقاد و عبادات دکتر شفیعی (به تأکید، بالبعیان والمشاهد) گفت و من پرسیدم: «با این علاقه و اعتقاد، آیا دعوی ایشان در بارهٔ تصوف و برآمدنش یکسره از دل اسلام، جایبدانه نیست؟»

در واقع این پرسش‌ش را از آن روز طرح کردم که می‌دانستم استاد آشتیانی نظری متفاوت در این باب دارد و بارها نوشته و مکرر گفته است که فرهنگ و فلسفه و عرفان در تاریخ حکمای ایران‌شهر و ترکیبی و تاریخی دارد؛ به‌ویژه تحت تشتمع و تأثیر فرهنگ و آیین ایران و یونان و حتی هند است و بدویسم و نیز تفاسیر اوتوفاطونی و منابع سربانی و... حتی ردپایی در آن برج‌های نهاده که غیر قابل انکار است. در این زمینه صراحت مخصوصی هم در قلم و بیان ایشان موجود بود.

خاص در موضوع تأثیر حکمت و فرهنگ ایرانی از طریق متون پهلوی و کتب نوگانی که شریانی که از جانب حکمای ایران‌شهر و آیین مزدیسنا و باورهای باطنی، دوام و استمرار یافته و خلاصهٔ اینکه سرریز بهره‌های حکمت خسروانی در جای جای تفسیر و تأویل و آیین و آداب و ادبِ پارسیان دوام دارد.

**ادامه دارد**

من می‌خواهم توسعهٔ اخلاق کاربردی را در دههٔ ۱۹۷۰ با اشاره به سه کتابی که در این دهه منتشر شدند، شرح دهم. این سه کتاب، هنوز هم به‌عنوان مهمترین آثار در تاریخ مدرن اخلاق کاربردی محل توجه هستند. نخستین کتاب، «نظریه‌ای در باب عدالت»، نوشتهٔ جان راولز (Rawls) است که در سال ۱۹۷۱ انتشار یافت. نظریه‌ای در باب عدالت، تحقیقی نظری و جامع در معنا و توجیه عدالت است، تا حدودی مخالف با سوگردایی. راولز به نفع نظریه قرارداد نوگانی استدلال می‌کند و آن را با دو اصل عدالت که با معنای عدالت ترکیب می‌شود، خاتمه می‌دهد. علاوه بر این، روشی بـرای توجیه عقاید اخلاقی ایجاد می‌کند که «موازنهٔ تأملی» نامیده شده است و هنوز هم بیشترین تأثیر را در این حوزه دارد. با انتشار نظریه‌ای در باب عدالت، عدالت مسئله‌ای کلیدی در اخلاق کاربردی می‌شود. این نظریه، اظهارات و انتقادات بی‌شماری را در پی داشته و دارد.

# اخلاق کاربردی و حرفه‌ای

دومین سهم در اخلاق کاربردی از آن کتاب پتر سینگر (Singer) است با نام «اخلاق عملی» که در سال ۱۹۷۹ منتشر شد. در اخلاق عملی، سینگر تعدادی از موضوعات مطرح اخلاقی را از منظر سوگردایی موضوع بحث قرار می‌دهد. در میان مسائل بحث‌شده، جنگ، فقر، سقط جنین، اتانازی، رفتار با حیوانات و غیره قرار دارد. سینگر به شکل قانع‌کنندهٔ دلیلی می‌آورد و تردیدنی در ترسیم نتایج ریشه‌ای و اغلب نیز متضاد با شهود ندارد. نقد سینگر بر اصل ارزش انسان، به مناقشات تحت و تیزی منجر گشت و سبب شد او برای چند سال، از سخن گفتن علنی در آلمان منع شود. واکنش رهبران آلمان به اثر سینگر، نشان داد که اخلاق کاربردی، تأثیر اجتماعی قدرتمندی دارد.

سومین کتاب، در زمینه اخلاق پزشکی است که یکی از مؤلفان نام پوچامپ، فیلسوفی سوگراست، در حالی که مؤلف دیگر، جیمز چیلدرس، فیلسوفی نوگانی است. یکی از اهداف کتاب «اصول اخلاق زیست‌پزشکی» که در سال ۱۹۷۷ منتشر شد، ایجاد اصول اخلاقی قابل‌پذیرش برای مردم متعلق به ستهای اخلاقی، دینی و فکری متفاوت بود. پوچامپ و چیلدرس چهار اصل را به عنوان اصول تصمیم‌گیری در پزشکی پیشنهاد کردند: اصل ضرر نرساندن، اصل سودرسانی، اصل احترام به خوداییی و اصل عدالت. نویسندگان دیگر، این چهار اصل را در حوزه‌های دیگر اخلاق کاربردی، مانند اخلاق پزشکی و اخلاق تجارت به‌کار بردند.

آنچه در این سه اثر در حوزه اخلاق کاربردی به چشم می‌خورد، این است که هر کدام در حوزهٔ اخلاق کاربردی، تأثیر ژرفی داشته‌اند، بنابراین آنها را می‌توان به‌عنوان آثار ماندگار در اخلاق کاربردی قلمداد کرد.

**چه چیزی جدید بود؟**

گرایش به اخلاق کاربردی در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ اتفاق می‌افتاد. در نیا به این گرایش، فلاسفهٔ زیادی تمرکز و تفکر خود را تغییر دادند. فلاسفهٔ اخلاق به طور سنتی به تحلیل معناشناسی اخلاقی و مسائل دیگر در فرااخلاق اشتغال داشتند. اکنون فلاسفهٔ بیش از گذشته با مسائل اخلاقی در جامعه درگیر شده‌اند. با این حال، گرایش به اخلاق کاربردی سبب شد که فلاسفه از پرداختن به مسائل در فرااخلاق نیز غفلت کنند. بحث دربارهٔ روش اخلاق کاربردی و نظریات توجیهی، پرشورتر از گذشته شد و شقوق متفاوتی، نظیر عام‌گرایی، خاص‌گرایی، نظریات موردمحور (موقعیت محور) و نظریه موازنهٔ تأملی راولز، توسعه یافتند. گرایش به اخلاق کاربردی، پیشینی از اخلاق توصیفی (به «اخلاق هنجاری» بود. بسیاری از فلاسفه در اوایل قرن بیستم معتقد شدند که اخلاق به عنوان رهنمای فلسفی باید به توصیف و تحلیل مفاهیم و نظریات محدود شود. برای توسعهٔ اخلاق‌شناسی اشتغال به استدلال هنجاری مناسب نبود؛ برای مثال، اسکال هاگکرتروم (Hägerström) فیلسوف سوئدی، در سخنرانی مراسم تحلیفش تأکید کرد که «فلسفهٔ اخلاق

### اصول سوگردایی جایگاه محکمی در اندیشهٔ اخلاقی غرب دارد و پیشنهاد می‌کند که اصل سود را برای قضاوت در موارد خاص اخلاقی به‌کار ببریم؛ اما طبق نظر طرفداران موازنهٔ تأملی، عمل درست، آن است که در فرایندی اندیشه‌ورزی، اصول مرتبط و احکام بررسی‌شده را مطابق دهم

### نیاید موضوعی در اخلاق (Morality) باشد، بلکه باید موضوعی دربارهٔ اخلاق باشد. راولز و سینگر موضوعی متفاوت اتخاذ کردند: آنها برای اخلاقدان، موضع گرفتن در قبال مسائل مناقشه برانگیز را ممکن و مشروع دانستند؛ آنچه مهم است این است که اخلاق‌دان استدلال‌های خوبی بیاورد.

به هر حال، ممکن است کسی پرسد که آیا گرایش به اخلاق کاربردی چیز جدیدی بود. برندا آلmond (Almond) مدعی است که «شروع فلسفهٔ کاربردی (که شامل اخلاق کاربردی نیز می‌شود) همزمان با شروع سنت فلسفی غرب به مثابهٔ یک کل.» شبانان ذکر است که او فیلسوف پیش از سقراط، تالس را در رشتهٔ اخلاق و اقتصاد پیشگام می‌داند. دیگر سهامداران مهم در تاریخ اخلاق کاربردی افلاطون و ارسطوطوس هستند. فیلسوفانی که در میان چیزهای دیگر، در زمینهٔ اخلاق و سیاست کار کردند (برای مثال، «جمهوری» و افلاطون و «سیاست» (ارسطو) فیلسوفانی بودند که اخلاق کاربردی اشتغال یافتند. نظیر اماترئول کانت، جان لاک

صحنه‌ای گالایی

### مشور دپیلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه مقام معظم رهبری زینب منطاهری نشر مؤسسه الهدی (سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی) چاپ اول: ۱۳۹۶

**۱۳۹۶ - هزاره تومان**
ماهیت فرهنگی انقلاب اسلامی و ظرفیت‌ها و امکانات بی‌بدیل جمهوری اسلامی ایران برای دستیابی به اقتدار فرهنگی در جهان از یک سو و افزایش روزافزونی نقش آفرینی عنصر فرهنگی در عرصه روابط بین‌الملل از سوی دیگر، ضرورت توجه هرچه بیشتر به فعالیت‌های فرهنگی بین‌المللی را مستلزم است. در برنامه‌ریزی هوشمندانه در این زمینه راه‌آشنکار می‌سازد. بدیهی است هرگونه برنامه‌ریزی در حوزه فرهنگی بین‌المللی می‌بایست در

و جان استوارت میل، همهٔ آنها نویسندگان الهام‌بخش برای اخلاقدانان دنیای امروز هستند. اخلاق کاربردی همچنین ریشه در اخلاق الهیاتی دارد. برای مثالی کهن، می‌توان از نظریات جنگ عادلانه اگوستین (قرن پنجم) و آکویناس (قرن سیزدهم) نام برد. این نظریات شرایطی را ترسیم می‌کنند که در صورت عمل به آنها، جنگ، عادلانه خواهد بود؛ این که جنگ باید نبردی باشد با نیت راستین، توسط قدرت مشروع آغاز شود و در صورت اشتباه فاشش، جریان خسارت شود؛ همهٔ این مباحث هنوز هم در بحثهای مرتبط با جنگ عادلانه حضور دارند. علاوه بر این، اخلاقدانان کاتولیک و پروتستان، نیز در میان کسانی بودند که ابتدا به اخلاق پزشکی اشتغال می‌یافتند.

**روشها**
روش عبارت است از شیوهٔ رسیدن یا نزدیک شدن به غایتی. یک روش، نقشه‌راهی است که به ما در رسیدن به هدف کمک می‌کند. ازاین‌رو، روشی که ما استفاده

طفاقی را نجات دهند؟ زمانی که با این نوع تناقض مواجه می‌شویم، به شیوه‌های متفاوتی می‌توانیم تصمیم بگیریم. اجازه بدهید دو دیدگاه افراطی را ذکر کنم. در راستای شیوه‌های سنتی حرفهٔ پزشکی، فرد ممکن است اجازه دهد که پزشک تصمیم بگیرد. پزشکان در این خصوص تجربه دارند و نوعی حساسیت و شهود اخلاقی به دست آورده‌اند که به آنها در تصمیم‌گیری کمک می‌کند. ازاین‌رو پزشک با استناد به موارد عملی، قبیلی و مشابه، تصمیم خواهد گرفت. شیوه دیگر برای رسیدن به یک تصمیم، با به‌کارگیری اصلی اخلاقی در خصوص موضوع مورد پرسش است. برای مثال، فیلسوفی سوگرا می‌تواند به این شیوه دلیل بیاورد: زمانی که تصمیمی اخلاقی گرفته می‌شود، فرد باید علنی را انتخاب کند که در مقایسه با هر قنق دیگری، سرجمع لذت را افزایش خواهد داد و با مجموع درد و ناراحتی را در جهان، کاهش می‌دهد؛ بنابراین در اخلاق کاربردی، فرد همواره باید مطابق با

نویسنده:
دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم

دکتر محمدجواد محمدی
بخش دوم



























## بارش باران مدارس سر پل دهباب را به تعطیلی کشاند

سرویس شهرستانها: رئیس اداره راهداری و حمل و نقل جاده‌ای پاهو استان کرمانشاه گفت: از جمعه تا صبح دیروز ۱۱۰ میلیمتر بارش باران در این شهرستان گزارش شده است.
ابراهیم شهریارای افزود: بارندگی‌های اخیر موجی از شادی و امید را در دل مردم این شهرستان که در شبانه‌روز کوه و مسلود بدون آب هستند، ایجاد کرد.

وی میزان بارش‌های شهرستان پاهو را از ابتدای سال زراعی جدید تا ساعت ۷ صبح دیروز ۲۰۵ میلی متر اعلام کرد و گفت: این میزان بارش نسبت به مدت مشابه سال گذشته بیش از ۴ درصد افزایش داشته است. او گفت: بارش‌های اخیر در بعضی از محروم‌های راهداری و بخش‌های پایگان و نرسود موجب ریزش کوه و مسلود شدن لخطهای راه شد که با حضور نیروهای راهداری مسیرها بازگشایی شد.

✽ **۷۶ بار ریزش کوه و سقوط بفل**
معاون راهداری اداره کل حمل و نقل جاده‌ای کرمدستان گفت: ریزش کوه و سقوط بهمن در روز ۳، روز ۷۶ بار نقاطی از جاده‌های این استان را مسدود کرد. محمدراشد مدرس سرگجی با اشاره به این که فعالیت سامانه بارشی در آسمان کرمدستان از جمعه آغاز شده بود اظهار داشت: در این مدت ۷۰۰ مورد ریزش کوه در جاده‌های سنجلیج – دیواندره، سنجلیج – مریوان، سنجلیج – دهگلان بانه – سردشت و ۶ مورد نیز سقوط بهمن در جاده سروباد – اورامان محدوده گردنه ژاله روی داد. وی با بیان این که تمام ریزش کوه‌ها و سقوط بهمن‌ها توسط راهداران در چند ساعت اولیه پاکسازی شد، افزود: بزرگترین ریزش کوه جمعه در گردنه ماموخ در جاده دیواندره – سنجلیج به طول ۱۰۰ متر روی داد که با تلاش ۱۲ ساعته، ۲۰ راهدار پاکسازی و جاده بازگشایی شد.

✽ **تعطیلی مدارس سرپل دهباب**
رئیس اداره آموزش و پرورش سرپل دهباب گفت: مدارس شهری و روستایی این شهرستان به علت تداوم بارش باران و وقوع سیل و آبگرفتگی کانکس‌های درس و معابر تعطیل شد.

همچنین بارش باران در ۷۲ ساعت گذشته موجب آبگرفتگی معابر و نفوذ آب به داخل چادرهای اسکان موقت زلزله‌زدگان سرپل دهباب شد.

کارشناس پیش‌بینی اداره کل هواشناسی استان زنجان گفت: بارش قابل توجه باران و برف، دیروز لغزندگی و آبگرفتگی معابر، سیلابی شدن مسیل‌ها، کاهش دید افقی، وقوع کولاک و وزش باد ۷ تا ۱۷ کیلومتر بر ساعت در گردنه‌ها و جاده‌های کوهستانی اختلال در تردد را موجب شد.

حسین سلطانی افزود: این سامانه بارشی امروز نیز به فعالیت خود در استان ادامه

داد و با توجه به کاهش چند درجه دما هوا بارش‌ها به شکل برف است.

✽ **باد و باران در شمال خوزستان**

بارش باران در شمال استان خوزستان که از شب شنبه آغاز شده بود،

دیروز نیز ادامه داشت.

شهرهای دزفول، اندیمشک و شوش در شمال استان خوزستان از نخستین ساعات بامداد دیروز شاهد بارندگی بود و ادامه این بارندگی موجب خوشحالی کشاورزان شد که در مدت‌های پیش در انتظار باران چشمه به آسمان دوخته بودند. بارندگی در دزفول که با وزش باد همراه بود در برخی مناطق شهری ترند خودروها را کند کرد. بارندگی و وزش باد موجب کندی ترند خودروها در جاده‌های دزفول، اندیمشک و شوش و نیز آزاد راه اندیمشک – کاز و زال و خرم آباد شد.

## ۳ نفر از اخلاک‌گران بازار ارز با قرار وثیقه آزاد شدند

سرویس حوادث، مدیرکل تعزیرات حکومتی استان تهران گفت: از ۱۲ اخلاک‌گر بازداشتی بازار ارز ۳ نفر با قرار وثیقه آزاد شدند و ۹ نفر دیگر همچنان در بازداشت به سر می‌برند.

محمعلی اسفغانی درباره ادامه روند برخورد با اخلاک‌گران بازار ارز گفت: با هماهنگی انجام گرفته به بانک مرکزی و نیروی انتظامی مقرر شد، افرادی که به صورت غیرقانونی در خیابان‌ها اقدام به خرید و فروش ارز می‌کنند، برخورد شود. وی افزود: در همین راستا جلسسه‌ای در بانک مرکزی تشکیل شد و پس از آن ۴ شعبه سیار خود

سرویس خبرعاملان اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه گفت: ۲۰ مرکز ملاقات فرزندان طلاق با والدین در سراسر کشور ایجاد شده است. محمد باقر الفت در کارگاه تخصصی دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان افزود: قانون مستقل این موضوع مربوط به سال ۱۳۳۸ است که در این قانون به صورت جدی به بحث کودکان توجه شده است.

وی اظهار داشت: در نظام حقوقی ایران در سال ۱۳۰۴ قفل کسی بود که به خارج بدهد شریع نرسیده باشد و بالغ و عاقل برای پسران ۱۵ سال و برای دختران ۹ سال قمری در نظر گرفته شده بود، اما این در دادگاه‌ها رسیدگی به پرونده کودکان و نوجوانان در سته بن‌دای‌های سنی مختلف انجام می‌گیرد.
فتاوی‌نگار در قانون مجازات اسلامی برای مختلفی از موارد توجه قرار گرفته است. معاون اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه گفت: قانونگذار در خصوص کودکان و نوجوانان گروه‌های سنی مختلف را تعریف کرده و در قبال رفتار هر گروه شی تصمیمات متفاوتی را اتخاذ کرده است. الفت گفت: اصولاً در نظام قضایی ما اطفال زیر ۱۰ سال از مسئولیت کفیری میرا می‌ماند و هیچ طفل زیر ۹ سالی در دادگاه‌ها و دادرساها حضور پیدا نمی‌کند البته منظور ما از این بحث مسئولیت مدنی نیست بلکه منظور مسئولیت کفیری است.

سرویس خبر: پروژوشماره ۳۷۰۴ شرکت آسمان صبح دیروز پس از تیسک آف از فرودگاه مهرآباد قبل از رسیدن به پاسوج به کوه‌های یخ زده پاندا برخوردکرد و ازروهای زیبای ۶۶ نفر از هوپوان را برای سال ۹۷ برباد داد.

هوایم‌ای تی آر ۷۲، ساعت ۵۵ و۷ دقیقه به مقصد پاسنرج از پاندا فرودگاه مهرآباد بلند شد. به گفته مسئولان مربوطه هوایم‌ای مسافبری تا ۱۴ مایلی با مرکز کنترل و ۵۰ دقیقه پس از پرواز در ارتباط راداری بود اما به یکباره ارتباط کاپیتان حجت‌الله فولاد خلیان کارگشته این پرواز قطع شد و به یکباره دلهای زیادی لرزید. نامتایند سمسور (اصفهان) در مجلس شورای اسلامی گفت: حلی‌ها صدای مهیب برخورد هوایم‌ا با کوه باران را شنیدند و همان‌ها بودند که شاید نخستین خبر ایسن حادثه را گزارش کردند. مردم در محدوده «پس‌دنا» نیز روستاییان و قحفر خنر در محدوده پاندا دو مشاهده کرده بودند. شواهد موجود حاکی از سقوط هوایم‌ای تهران – پاسوج در منطقه‌ای سخت گذر، مرتفع و کوهستانی است که هوای این منطقه م‌آلود بوده و امکان تردد بسیاری از خودروها در این منطقه وجود ندارد.

✽**تشکیل گزارش علل سقوط هوایم‌ا**
حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر روحانی رئیس‌جمهوری که دنیب از سفرخارجی به کشور برگشته بود، با اطلاع از این حادثه، وزیر راه را مسئول تشک گزارش علل سقوط هوایم‌ای شرکت آسمان کرد.

رئیس‌جمهوری در پیامی سانحه بسیار تلخ سقوط هوایم‌ای مسافبری شرکت آسمان در مسیر تهران – پاسوج که منجر به جان باختن عده‌ای از هوپوان عزیز ما شد، باعث تأثر فراوان گردید.

اینجانب ضمن ابراز همدردی با خانواده‌های داغدار، این می‌بایست را به ملت ایران تسلیت می‌گویم و از درگاه ایزدمنان برای جانباختگان این حادثه، رحمت و مهرای پرآبادکنان صبر و پادشای فراوان الهی مناسبت دارم.

لازم است وزیر راه و شهرسازی، براساس قانون سازمان هوایم‌ای کشور و با حضور و تشکیک ستاد بررسی سانحه در این سازمان ضمن مدیریت، پیگیری و انجام هماهنگی‌های لازم برای خدمات اورژانسی و امدادی توسط دستگاه ذیربط، علل این حادثه را

## اخبار داخلی

## جان باختن ۶۶ مسافر و خدمه در سقوط هواپیمای تهران – پاسوج

تواست هوایم‌ا را به سلامت در فرودگاه پاسوج به زمین نرساند.
✽**ورود دامدستی**

داستان عمومی و انقلاب پاسوج گفت: به عنوان مدعی‌العموم و در مقام پیگیری حقوق عامه‌اجرای تلخ و نامتایند سقوط هوایم‌ا را پیگیری می‌کنیم.
مهراد کریمی تسلیت به بازماندگان در این منطقه ۷ درجه بالای صفر بود

سریعا گزارش نماید و تمام اقانات لازم برای پیشگیری از تکرار اینگونه رخدادهای ناگوار به عمل آید.
✽**اتحادیه اروپا تسلیت گفت**
اتحادیه اروپا با صدور بیانیه ای سقوط هوایم‌ا در ایران را به خانواده قربانیان این حادثه تسلیت گفت.
✽ گزارش مهسر، کاترین ری (Catherine Ray) سخنگوی مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در این باره اعلام کرد: اتحادیه اروپا سانحه هوایی در ایران را به خانواده قربانیان این حادثه تسلیت می‌گوید.

همچنین دیروز وزارت خارجه آمریکا حادثه سقوط هوایم‌ا در ایران را تسلیت گفت.

✽**تشکیل جلسه کمیته بحران**
جغفرزاده سخنگوی سازمان هوایم‌ای کشور از تشکیل جلسه کمیته بحران در سازمان هوایم‌ای کشور برای بررسی جزئیات سقوط هوایم‌ای ایران خبر داد: ری‌ی‌توان در مورد چرایی موضوع سقوط هوایم‌ای آسمان اظهار نظر کرد.البته رئیس سازمان هوایم‌ای کشور گفت: تا زمانی که جعبه سیاه هواپیمای کشف وبررسی نشود، نمی‌توان علت دقیق حادثه را مشخص کرد. این هوایم‌ا ۱۲ مایلی با مرکز کنترل در ارتباط بوده است.

دربی این حادثه بالگرد اورژانس کشور به پرواز درآمد و تیم‌های امدادی راهی محل که در ابتدا نامشخص و صعب‌العبور بود، شدند.مسئولان هوایم‌ای آسمان جان باختن، ۶ مسافر و ۶ خدمه این پرواز را تأیید کردند. در این کاپیتان حجت‌الله فولادخلیان دوم کاوه خلیلی، سرمهماندان محمد حسین فرش

رهبر معظم انقلاب اسلامی در پی سانحه مصیبت‌بار سقوط هوایم‌ای مسافبری، درپیم تسلیتی از مسئولان جریبط خواستند همه تلاش و همکاری خود را برای اقداهای لازم در این مورد به‌کار برند و امکان تکریم و تشییع پیکرهای آنان را فراهم سازند.
است:
✽**تیم پیام حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به شرح زیر**
تیم پیام حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به شرح زیر

بسم الله تعالی

سانحه‌ی مصیبت‌بار سقوط هوایم‌ای مسافبری که به جان باختن چندین نفر از مهم‌پیمان عزیزمان اتحادیه

مدیرکل بحران سازمان پزشکی قانونی از آمدهایش تیم‌های پزشکی

نیابت قضایی به مقامات قضایی شهرستان سمیرم داده شده است.



سنگی، مهماندان بهنام رضایی نیارکی و دوتیرویی امنیت پرواز، محمد بهشتی و فرهاد معصومی به همراه همه مسافران که بین آنها چند کودک نیز وجود دارد.
جیان خودرا از دست دادند.
کاپیتان فولاد خلیان باتجربه پرواز آسمان، یک بار دیگر در پرواز پاسوج به تهران در سال ۱۳۹۲، با کار افتادن موتور شماره ۵ هوایم‌ای تی آر ۷۲، در شرایط اضطراری قرار گرفته بود اما

✽**ازدحام جمعیت در فرودگاه**

جمعیت از خانواده و بستگان در فرهاد معصومی به همراه همه مسافران که بین آنها چند کودک نیز وجود دارد

کاپیتان فولاد خلیان باتجربه پرواز آسمان، یک بار دیگر در پرواز پاسوج

به تهران در سال ۱۳۹۲، با کار افتادن موتور شماره ۵ هوایم‌ای تی آر ۷۲، در شرایط اضطراری قرار گرفته بود اما

✽**ازدحام جمعیت در فرودگاه**

جمعیت از خانواده و بستگان در فرهاد معصومی به همراه همه مسافران که بین آنها چند کودک نیز وجود دارد

کاپیتان فولاد خلیان باتجربه پرواز آسمان، یک بار دیگر در پرواز پاسوج به تهران در سال ۱۳۹۲، با کار افتادن موتور شماره ۵ هوایم‌ای تی آر ۷۲، در شرایط اضطراری قرار گرفته بود اما

✽**ازدحام جمعیت در فرودگاه**

جمعیت از خانواده و بستگان در فرهاد معصومی به همراه همه مسافران که بین آنها چند کودک نیز وجود دارد

کاپیتان فولاد خلیان باتجربه پرواز آسمان، یک بار دیگر در پرواز پاسوج به تهران در سال ۱۳۹۲، با کار افتادن موتور شماره ۵ هوایم‌ای تی آر ۷۲، در شرایط اضطراری قرار گرفته بود اما

✽**ازدحام جمعیت در فرودگاه**

جمعیت از خانواده و بستگان در فرهاد معصومی به همراه همه مسافران که بین آنها چند کودک نیز وجود دارد

کاپیتان فولاد خلیان باتجربه پرواز آسمان، یک بار دیگر در پرواز پاسوج به تهران در سال ۱۳۹۲، با کار افتادن موتور شماره ۵ هوایم‌ای تی آر ۷۲، در شرایط اضطراری قرار گرفته بود اما

✽**ازدحام جمعیت در فرودگاه**

جمعیت از خانواده و بستگان در فرهاد معصومی به همراه همه مسافران که بین آنها چند کودک نیز وجود دارد

کاپیتان فولاد خلیان باتجربه پرواز آسمان، یک بار دیگر در پرواز پاسوج به تهران در سال ۱۳۹۲، با کار افتادن موتور شماره ۵ هوایم‌ای تی آر ۷۲، در شرایط اضطراری قرار گرفته بود اما

✽**ازدحام جمعیت در فرودگاه**

جمعیت از خانواده و بستگان در فرهاد معصومی به همراه همه مسافران که بین آنها چند کودک نیز وجود دارد

کاپیتان فولاد خلیان باتجربه پرواز آسمان، یک بار دیگر در پرواز پاسوج به تهران در سال ۱۳۹۲، با کار افتادن موتور شماره ۵ هوایم‌ای تی آر ۷۲، در شرایط اضطراری قرار گرفته بود اما

✽**ازدحام جمعیت در فرودگاه**

جمعیت از خانواده و بستگان در فرهاد معصومی به همراه همه مسافران که بین آنها چند کودک نیز وجود دارد

کاپیتان فولاد خلیان باتجربه پرواز آسمان، یک بار دیگر در پرواز پاسوج به تهران در سال ۱۳۹۲، با کار افتادن موتور شماره ۵ هوایم‌ای تی آر ۷۲، در شرایط اضطراری قرار گرفته بود اما

✽**ازدحام جمعیت در فرودگاه**

جمعیت از خانواده و بستگان در فرهاد معصومی به همراه همه مسافران که بین آنها چند کودک نیز وجود دارد

کاپیتان فولاد خلیان باتجربه پرواز آسمان، یک بار دیگر در پرواز پاسوج به تهران در سال ۱۳۹۲، با کار افتادن موتور شماره ۵ هوایم‌ای تی آر ۷۲، در شرایط اضطراری قرار گرفته بود اما

✽**ازدحام جمعیت در فرودگاه**

جمعیت از خانواده و بستگان در فرهاد معصومی به همراه همه مسافران که بین آنها چند کودک نیز وجود دارد

کاپیتان فولاد خلیان باتجربه پرواز آسمان، یک بار دیگر در پرواز پاسوج به تهران در سال ۱۳۹۲، با کار افتادن موتور شماره ۵ هوایم‌ای تی آر ۷۲، در شرایط اضطراری قرار گرفته بود اما

✽**ازدحام جمعیت در فرودگاه**

جمعیت از خانواده و بستگان در فرهاد معصومی به همراه همه مسافران که بین آنها چند کودک نیز وجود دارد

کاپیتان فولاد خلیان باتجربه پرواز آسمان، یک بار دیگر در پرواز پاسوج به تهران در سال ۱۳۹۲، با کار افتادن موتور شماره ۵ هوایم‌ای تی آر ۷۲، در شرایط اضطراری قرار گرفته بود اما

✽**ازدحام جمعیت در فرودگاه**

جمعیت از خانواده و بستگان در فرهاد معصومی به همراه همه مسافران که بین آنها چند کودک نیز وجود دارد

کاپیتان فولاد خلیان باتجربه پرواز آسمان، یک بار دیگر در پرواز پاسوج به تهران در سال ۱۳۹۲، با کار افتادن موتور شماره ۵ هوایم‌ای تی آر ۷۲، در شرایط اضطراری قرار گرفته بود اما

✽**ازدحام جمعیت در فرودگاه**

جمعیت از خانواده و بستگان در فرهاد معصومی به همراه همه مسافران که بین آنها چند کودک نیز وجود دارد

کاپیتان فولاد خلیان باتجربه پرواز آسمان، یک بار دیگر در پرواز پاسوج به تهران در سال ۱۳۹۲، با کار افتادن موتور شماره ۵ هوایم‌ای تی آر ۷۲، در شرایط اضطراری قرار گرفته بود اما

✽**ازدحام جمعیت در فرودگاه**

جمعیت از خانواده و بستگان در فرهاد معصومی به همراه همه مسافران که بین آنها چند کودک نیز وجود دارد

کاپیتان فولاد خلیان باتجربه پرواز آسمان، یک بار دیگر در پرواز پاسوج به تهران در سال ۱۳۹۲، با کار افتادن موتور شماره ۵ هوایم‌ای تی آر ۷۲، در شرایط اضطراری قرار گرفته بود اما

✽**ازدحام جمعیت در فرودگاه**

جمعیت از خانواده و بستگان در فرهاد معصومی به همراه همه مسافران که بین آنها چند کودک نیز وجود دارد

کاپیتان فولاد خلیان باتجربه پرواز آسمان، یک بار دیگر در پرواز پاسوج به تهران در سال ۱۳۹۲، با کار افتادن موتور شماره ۵ هوایم‌ای تی آر ۷۲، در شرایط اضطراری قرار گرفته بود اما

✽**ازدحام جمعیت در فرودگاه**

جمعیت از خانواده و بستگان در فرهاد معصومی به همراه همه مسافران که بین آنها چند کودک نیز وجود دارد

دوشنبه ۲۰بهمن ۱۳۹۶ – ۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۶ – ۲۲ جمادی‌الثانی ۱۳۹۶ – ۱۹ فروردیه ۲۰۱۸ – سال نو و دوم – شماره ۲۶۹۴۵

## یاسوج

به محل یا انجام اقدامات آزمایشگاهی تیم‌های امدادی زمین به سمت محل تسبی به محل اعزام نشده است و متخصصان پزشکی قانونی در این استان‌ها در آمادهایش کامل هستند.
✽**اعزام ۱۲۰ نیروی عملیاتی**
رئیس سازمان امداد و نجات از اعزام ۲۲ تیم واکنش سریع از استان‌ها و اصفهان، فارس، کهگیلویه و بویراحمد



محمد حسین فرش شنسکی سرمهماندان

و چهارم‌حال و بختیاری به محل سقوط هوایم‌ای مسافبری خبر داد.

مرتضی سلیمی، رئیس سازمان

پلیس–راه اجابا اعلام کرد: جاده اصفهان – سمیرم – پاسوج و بالعکس در استان‌های اصفهان و کهگیلویه و بویراحمد به‌دلیل خلجی‌گری از تردد غیرضروری جهت تسهیل در عملیات امداد و نجات(سقوط هوایم‌ا) تا اطلاع بعدی، محدودیت ترافیکی دارد و تردد در آن ممنوع است.

✽**تیم تسلیت و پیگیری**

رئیس مجلس شورای اسلامی در تسبی علنی توسط عصرجلسل یا ابراز همدردی با خانواده‌های جانباختگان

سقوط هوایم‌ا در خط پرواز تهران– پاسوج، با بیان این که این حادثه، دردناک بود و نمایندگان مجلس هم به شدت با این موضوع متاثر هستند؛ هرچند که ما موضوع بررسی بوجه ۹۷

را در سراسر دلم‌ا نمایندگان مجلس مکررا تماس داشتندند و پیگیر علت

کمیسسیون عمران مجلس این حادثه

به بازماندگان، از دانشستان کل کشور

خواست با تشکیل کمیته‌ای علت وقوع حادثه را بررسی و نسبت به برخورد قانونی با مقصرین اقدام کند.

✽**سه روز عزای عمومی در استان**

استاندار کهگیلویه و بویراحمد و آیت الله شریف‌الدین ملک حسینی

نمایندة ولی فقیه در استان، در جسان باختن تعدادی از هوپوانان در

حادثه سقوط هوایم‌ای تهران–پاسوج

در ارتفاعات دوشا، نوشته ۲۰ بهمن تا چهارشنبه دوم اسفند ماه را در استان عزای عمومی اعلام کردند.

✽**روز عزای عمومی در استان**

استاندار کهگیلویه و بویراحمد و آیت الله شریف‌الدین ملک حسینی

نمایندة ولی فقیه در استان، در جسان باختن تعدادی از هوپوانان در

حادثه سقوط هوایم‌ای تهران–پاسوج

در ارتفاعات دوشا، نوشته ۲۰ بهمن تا چهارشنبه دوم اسفند ماه را در استان عزای عمومی اعلام کردند.

✽**روز عزای عمومی در استان**

استاندار کهگیلویه و بویراحمد و آیت الله شریف‌الدین ملک حسینی

نمایندة ولی فقیه در استان، در جسان باختن تعدادی از هوپوانان در

حادثه سقوط هوایم‌ای تهران–پاسوج

در ارتفاعات دوشا، نوشته ۲۰ بهمن تا چهارشنبه دوم اسفند ماه را در استان عزای عمومی اعلام کردند.

✽**روز عزای عمومی در استان**

استاندار کهگیلویه و بویراحمد و آیت الله شریف‌الدین ملک حسینی

نمایندة ولی فقیه در استان، در جسان باختن تعدادی از هوپوانان در

حادثه سقوط هوایم‌ای تهران–پاسوج

در ارتفاعات دوشا، نوشته ۲۰ بهمن تا چهارشنبه دوم اسفند ماه را در استان عزای عمومی اعلام کردند.

✽**روز عزای عمومی در استان**

استاندار کهگیلویه و بویراحمد و آیت الله شریف‌الدین ملک حسینی

نمایندة ولی فقیه در استان، در جسان باختن تعدادی از هوپوانان در

حادثه سقوط هوایم‌ای تهران–پاسوج

در ارتفاعات دوشا، نوشته ۲۰ بهمن تا چهارشنبه دوم اسفند ماه را در استان عزای عمومی اعلام کردند.

✽**روز عزای عمومی در استان**

استاندار کهگیلویه و بویراحمد و آیت الله شریف‌الدین ملک حسینی

نمایندة ولی فقیه در استان، در جسان باختن تعدادی از هوپوانان در

حادثه سقوط هوایم‌ای تهران–پاسوج

در ارتفاعات دوشا، نوشته ۲۰ بهمن تا چهارشنبه دوم اسفند ماه را در استان عزای عمومی اعلام کردند.

✽**روز عزای عمومی در استان**

استاندار کهگیلویه و بویراحمد و آیت الله شریف‌الدین ملک حسینی

نمایندة ولی فقیه در استان، در جسان باختن تعدادی از هوپوانان در

حادثه سقوط هوایم‌ای تهران–پاسوج

در ارتفاعات دوشا، نوشته ۲۰ بهمن تا چهارشنبه دوم اسفند ماه را در استان عزای عمومی اعلام کردند.

✽**روز عزای عمومی در استان**

استاندار کهگیلویه و بویراحمد و آیت الله شریف‌الدین ملک حسینی

نمایندة ولی فقیه در استان، در جسان باختن تعدادی از هوپوانان در

حادثه سقوط هوایم‌ای تهران–پاسوج

در ارتفاعات دوشا، نوشته ۲۰ بهمن تا چهارشنبه دوم اسفند ماه را در استان عزای عمومی اعلام کردند.

✽**روز عزای عمومی در استان**

استاندار کهگیلویه و بویراحمد و آیت الله شریف‌الدین ملک حسینی

نمایندة ولی فقیه در استان، در جسان باختن تعدادی از هوپوانان در

حادثه سقوط هوایم‌ای تهران–پاسوج

در ارتفاعات دوشا، نوشته ۲۰ بهمن تا چهارشنبه دوم اسفند ماه را در استان عزای عمومی اعلام کردند.

✽**روز عزای عمومی در استان**

استاندار کهگیلویه و بویراحمد و آیت الله شریف‌الدین ملک حسینی

نمایندة ولی فقیه در استان، در جسان باختن تعدادی از هوپوانان در

حادثه سقوط هوایم‌ای تهران–پاسوج

در ارتفاعات دوشا، نوشته ۲۰ بهمن تا چهارشنبه دوم اسفند ماه را در استان عزای عمومی اعلام کردند.

✽**روز عزای عمومی در استان**

استاندار کهگیلویه و بویراحمد و آیت الله شریف‌الدین ملک حسینی

نمایندة ولی فقیه در استان، در جسان باختن تعدادی از هوپوانان در

حادثه سقوط هوایم‌ای تهران–پاسوج

در ارتفاعات دوشا، نوشته ۲۰ بهمن تا چهارشنبه دوم اسفند ماه را در استان عزای عمومی اعلام کردند.

✽**روز عزای عمومی در استان**

استاندار کهگیلویه و بویراحمد و آیت الله شریف‌الدین ملک حسینی

نمایندة ولی فقیه در استان، در جسان باختن تعدادی از هوپوانان در

حادثه سقوط هوایم‌ای تهران–پاسوج

در ارتفاعات دوشا، نوشته ۲۰ بهمن تا چهارشنبه دوم اسفند ماه را در استان عزای عمومی اعلام کردند.

✽**روز عزای عمومی در استان**

استاندار کهگیلویه و بویراحمد و آیت الله شریف‌الدین ملک حسینی







## تر حیم

**به نام خداوند مهربان و بخشنده**

بانهایت تأسف و تأثر درگذشت مادر و همسری مهربان خانم **مهدخت دکتر افشار (اربابی)** رابه اطلاع وابستگان و آشنایان محترم می‌رسانیم. مجلس تر حیم و یادبود روز سه‌شنبه ۱۳۹۶/۱۲/۱ ساعت ۴ الی ۷ بعدازظهر در منزل خود ایشان بر گزار می گردد.

**فرانک- بهداد-بهین اربابی-ناصر و لای-نگار-نغمه-امیر حسین ولایی-شهرزاد-نیک-نیکا خانواده‌های: دکتر افشار-اربابی-ولایی-شه‌میری- ذره‌بینی اصفهانی- افشار یزدی- افشار- همدانی**

**باز گشت همه به‌سوی اوست**

با کمال تأسف و تأثر در گذشت مرحومه مغفوره حاجیه خانم **ملک تاج خواجه علیچانی** همسر مرحوم حاج مرتضی بهرامعلی را به استحضار دوستان، آشنایان و همشهریان محترم گلپایگانی می‌رساند، به همین مناسبت مجلس تر حیمی در روز سه‌شنبه مورخ ۱۳۹۶/۱۲/۱ از ساعت ۱۶ الی ۱۷:۳۰ در مسجدنور واقع در میدان فاطمی منعقد و بر گزار می گردد.
**خانواده‌های: بهرامعلی- خواجه علیچانی- قادری- لوائی- مهاجری- صافی- حاذق اعظم- نژندنیسا- صدریان- اخلاقی- ابراهیمی- جهانگیری و سایر خانواده‌های وابسته**

**باز گشت همه به‌سوی اوست**

با کمال تأسف و تأثر در گذشت مرحوم شادروان **آقای جواد عالمی** رابه اطلاع کلیه بستگان، دوستان و همشهریان محترم می‌رساند.

مراسم هفتمین روز درگذشت آن زنده‌یاد در روز پنجشنبه ۱۳۹۶/۱۲/۳ از ساعت ۱۵ الی ۱۶/۳۰ در مسجد نور شبسترپها واقع در میدان دکتر فاطمی منعقد می گردد.

حضور سروران گرامی در این مراسم موجب شادی روح آن مرحوم و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.
**از طرف همسر، فرزندان، برادران و خواهران داغدار و سایر بستگان و آشنایان سببی و نسبی.**

**باز گشت همه به‌سوی اوست**

بانهایت تأسف و تأثر در گذشت مرحوم **حاج محمد تقی کفاشیان** رابه اطلاع کلیه اقوام، دوستان و همشهریان محترم می‌رساند.

به همین مناسبت مراسم تر حیم آن مرحوم روز پنجشنبه مورخ ۱۳۹۶/۱۲/۳ از ساعت ۱۵ الی ۱۶/۳۰ در مسجد نور شبسترپها واقع در میدان دکتر فاطمی منعقد می گردد.

حضور سروران گرامی در این مراسم باعث شادی روح آن مرحوم و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.
**خانواده‌های عزادار: کفاشیان- گلشن‌راز- نظری-برزگر- هجری- صفی‌زاده- صفری- خرازی- نجف‌زاده- جاقی- حسینی و سایر وابستگان سببی و نسبی.**

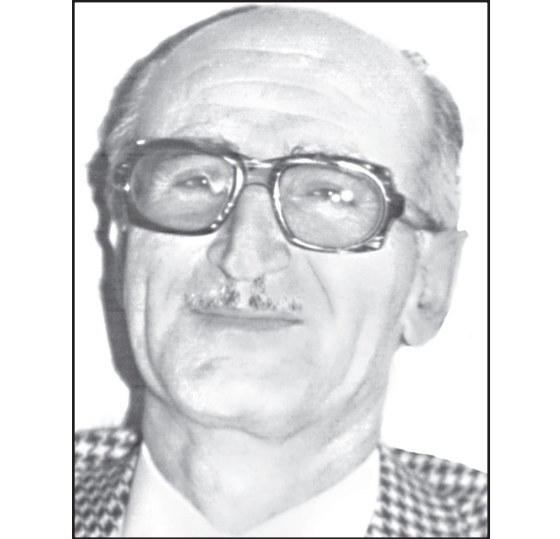
## یادبود

در اولین سالگرد مسافرت فرزنددلبندم جوان ناکام **امید محمدی** از ساعت ۱۶/۳۰ پنج‌شنبه سوم اسفندماه در آرامگاه ابدیش امامزاده علی(ع) روستای شکرناپ جاده پایین طالقان به سوگ می‌نشینیم و یادش را گرامی می‌داریم.

**پدر، مادر و برادر داغدار**

**خوشا آنان که با عزت ز گیتی**

**بساط خویش برچیدند و رفتند**



در یازدهمین سالگرد سفر جاودانه شادروان دکتر **محمد هادی شفیعیه**، نام و یاد او را گرامی می‌داریم. آموخته‌های معنوی و علمی او همواره راهگشای ماست.

**اسفندماه ۱۳۹۶**

**خانواده‌های: شفیعیهها و منصوری تهرانی مقدم**

**یادبود**

**آنچه در مدت هجر تو کشیدم هیهات**

**در یکی نامه محال است که تحریر کنم**



هفت سال از کوچ همسر و پدر گرامیان **شادروان تیمسار سر تیپ کاظم محبی** به سرای ابدی گذشت. سال‌های سرشار از حسرت زبستن و آموختن در جوار بزرگمردی فرزانه و نیک‌سیرت که زندگی خویش را سراسر صرف خدمت به مردم نمود و در این راه به شرافت، درستکاری، نوع‌پروری و میهن دوستی شهره گشت. یاد و خاطره‌اش گرامی باد.

**همسر: فرخنده بی درودیان**  
**فرزندان: دکتر اسماعیل محبی و دکتر بهرام محبی**

## تر حیم

## تسلیت

**جناب آقای مهندس جعفری**  
**مدیر عامل محترم**  
**شرکت تهیه و تولید مواد معدنی ایران**  
مصیبت فوت پدر گرامیتان را خدمت جناب عالی و خانواده محترم تسلیت عرض کرده، از درگاه خداوند متعال برای آن مرحوم غفران واسعه الهی و برای شما و سایر بازماندگان معزز صبر و بردباری مسئلت داریم.

**حسن کرابی-امیر مومن‌زاده**  
**روزنامه اطلاعات**

**بازگشت همه بسوی اوست**  
**جناب آقای دکتر سیدغلامرضا فنائی**  
**جناب آقای دکتر سید احمد فنائی**  
مصیبت وارده رابه شما و خانواده محترمتان تسلیت عرض نموده و از خداوند برای بازماندگان صبر و شکیبایی خواستاریم.

**مدیر عامل و هیات مدیره بیمارستان جم**

**جناب آقای حاج مجتبی بهرامعلی**  
**ریاست محترم هیئت مدیره کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران**  
بااظهار تأسف درگذشت‌والده گرامیتان راتسلیت عرض نموده، برای آن مرحومه غفران واسعه و برای جنابعالی و سایر بازماندگان صبر و شکیبایی آرزومندیم.  
**هیئت رئیسه گروه ۴- حسابداری حسابرسی**  
**سید حسین مروستی- بهزاد یزدانی- بهزاد وفاداران تبریزی- فریدون ایزدپناه- بختیار علی پور**

**جناب آقای حاج مجتبی بهرامعلی**  
**ریاست محترم هیئت مدیره کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران**  
بانهایت تأثر و تأسف درگذشت‌والده گرامیتان راتسلیت عرض نموده و از خداوند منان برای آن مرحومه رحمت و مغفرت و صبر و شکیبایی برای جنابعالی و سایر بازماندگان آرزومندیم.  
**هیئت رئیسه گروه عمرراه و ساختمان**  
**علی اکبر سعیدی کرکانی- فریدون معظمی- شاهرخ ابراهیمی قاجار- قاسم قدس- هادی سقطفر و ش- عطاءاله فلکشاهی**

**جناب آقای حاج مجتبی بهرامعلی**  
**ریاست محترم هیئت مدیره کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران**  
بااظهار همدردی درگذشت‌والده گرامیتان راتسلیت عرض نموده و از خداوند متعال برای آن شادروان طلب آمرزش و آرامش ابدی و برای جنابعالی و سایر بازماندگان صبر و سلامتی و شکیبایی آرزومندیم.  
**رضا علی‌پور- علی اکبر علی‌پور- بختیار علی پور**

**جناب آقای مهندس حسن بیت‌الهی**  
**رئیس محترم هیات مدیره شرکت ترمون**  
بانهایت تأسف مصیبت وارده رابه حضر تعالی صمیمانه تسلیت عرض نموده‌و از درگاه‌ایزد منان برای جنابعالی و سایر بازماندگان صبر و سلامتی آرزومندیم.  
**شرکت توسعه آب و گاز ایران**

**جناب آقای مهندس جعفری**  
**مدیر عامل محترم**  
**شرکت تهیه و تولید مواد معدنی ایران**  
بانهایت تأثر و تأسف درگذشت پدرارجمندتان رابه جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض نموده‌و از خداوند متعال برای آن مرحوم آمرزش الهی و برای شما و بازماندگان صبر و سلامتی مسئلت داریم.  
**از طرف معاونین و مدیران ایمپاسکو**

**جناب آقای احمد توکلی**  
**عضو محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام**  
بانهایت تأسف و تأثر درگذشت فرزند گرامیتان را تسلیت عرض نموده و برای جنابعالی و سایر بازماندگان صبر و شکیبایی آرزومندم.

**اسدا... عسکراولادی**

**جناب آقای دکتر فنائی**  
**مدیر عامل محترم بیمارستان عرفان**  
بانهایت تأسف و تأثر در گذشت‌والده مکرمتان راتسلیت عرض نموده و از خداوند سبحان برای آن مرحومه مغفوره رحمت واسعه‌الهی و برای بازماندگان صبر و شکیبایی آرزو می‌نایم.

**دکتر محمدحسین بدخش**  
**حضور گرامی سرکار خانم دکتر شهلا صفاریان**  
با کمال تأسف درگذشت پدر بزرگوارتان جناب آقای محمدمهدی صفاریان بزرگ خاندان را حضور شما و مادر گرامیتان و خواهر و برادران عزیزتان و سایر وابستگان صمیمانه تسلیت می‌گوییم.

**اکرم- آزاده- الهام- فرزاد و جلال صفارزاده**

**جناب آقای دکتر غلامرضا فنائی**  
**ریاست محترم هیئت‌مدیره بیمارستان عرفان**  
با تأسف و تألم درگذشت‌مادر گرامیتان را تسلیت عرض نموده و برای جنابعالی و سایر بازماندگان صبر و شکیبائی آرزو داریم.

**شرکت مارستان: حسین صانعی، مهندس محمدباقر اثنی‌عشری، دکتر محمد علی سامت، دکتر فرامرز آیرملوزاده، ابوالفتح صانعی، دکتر علیرضا همانی**

**همکار گرامی**  
**جناب آقای دکتر غلامرضا فنائی**  
بانهایت تأسف و تألم مصیبت وارده را تسلیت عرض می‌نماییم و خود را در غم از دست دادن مادر گرامیتان شریک می‌دانیم. بقای عمر جنابعالی و سایر بازماندگان را از خداوند متعال مسئلت داریم.

**«گروه پزشکی و هیئت مدیره بیمارستان آراد»**

**بازگشت همه به‌سوی اوست**  
باندوه فراوان درگذشت زنده‌یاد **بانو مهدخت دکتر افشار**، فرزند شادروان **دکتر محمود افشار یزدی** را که مثل اعلا‌ی مهربانی و بزرگواری بود به خاندان محترم **دکتر افشار**، بویژه فرزندان آن مرحوم تسلیت می‌گوییم.

از درگاه‌دوست‌خواهانیم که روانش را در ژرفای رحمت بی‌کران خویش قرار دهد و برای بازماندگان صبر جمیل و اجر جزیل طلب می‌کنیم.

**هیئت مدیره**  
**بنیاد موقوفات دکتر افشار**



**موسسه خیریه نیکوکاران وحدت**  
**شماره ثبت ۱۳۰۵۳**  
**تحت نظارت سازمان بهزیستی**

**آگهی تغییرات شرکت تعاونی نیکوکاران وحدت**  
**برای ثبت شرکت تعاونی نیکوکاران وحدت**  
**شماره ثبت ۱۳۰۵۳**  
**تحت نظارت سازمان بهزیستی**

**با شماره گیری**  
**#۹۸۷۸\*۷۸۸\***  
**به راحتی و دواطلبانه پرداخت کنید**  
**شماره کارت بانک ملت ۶۱۰۴۳۳۷۸۷۸۷۹۸۹۶۴**  
**شماره کارت بانک تجارت ۵۸۵۹۸۳۷۰۰۰۰۰۲۳۳۵۴**  
**شماره حساب جاری بانک تجارت ۰۱۱۵۰۲۷۹۴۸**  
**شماره حساب جاری بانک ملت ۳۱۲۲۳۱۱۳۸۰**  
**همیاران عزیز میتوانند با مراجعه به سایت موسسه از تاج گلهای و استندهای تسلیت دیدن نمایند.**

**آدرس: نارمک ، میدان ثبوت (هفت حوض)،کوچه سجاد ، پلاک ۶، طبقه اول**  
**تلفن: ۰۴۵۴: ۷۷۴۹۰۷۷۴۹-۷۷۴۹۰۷۱۸-۷۷۴۹۰۷۷۴۹-۷۷۴۹۰۹۱۰۴۵۶۷۰۹۱**  
**www.Nikokaranvahdat.com**  
**nikokaranvahdat\_charity**  
**info2.vahdatcharity@yahoo.com**  
**@nikokaranvahdat\_charity**

## سخنرانی



**مرکز همایش‌ها و سالن اجتماعات**

**آکسپان**

**بر گزار کننده مجالس ختم و تر حیم**  
**سمینارهای علمی و فرهنگی**  
با برخورداری از دو سالن پیشرفته و مجیزا برای خانم‌ها و آقایان و یک تالار پذیرایی در مجاورت مسجد، آماده برگزاری مجالس ختم و تر حیم و یا سایر مراسم‌ها و همایش‌ها می‌باشد.

**آدرس: خیابان دکتر شریعتی، خیابان خواجه عبدالله انصاری، خیابان تیسفون، خیابان مدائن، مسجد جامع آل یاسین**  
**دسترسی از سیدخندان، شریعتی و بزرگراه‌های رسالت و شهید صیاد شیرازی**  
**۰۹۱۹۲۰۹۸۳۸۶ - ۰۲۱ ۲۲۸۸۱۰۲۰**

**اطلاعیه هیئت قائمیه تهران**

**السلام علیک ایته‌ا الصدیقه‌ الشهیده**  
هیئت قائمیه بمناسبت شهادت جانشوز حضرت صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام... علیها، ضمن عرض تسلیت به پیشگاه آن منتقم الهی، **قائم آل محمد عجل...** تعالی فرجه الشریف و پیرانش از شب یکشنبه‌اول جمادی‌الثانی مطابق ۱۳۹۶/۱۱/۲۸ الی ۵ شب بعد از نماز مغرب و عشا و همچنین از ساعت ۱۰ صبح روز سه‌شنبه ۳ جمادی‌الثانی (روز شهادت) مراسم سوگواری در حسینیه قائمیه‌واقع در خیابان قدیم‌شمیران بالاتراز پل رومی برپا می‌دارد.  
**شرکت علاقمندان موجب تسلی خاطر حضرت ولی عصر(عج) خواهد بود.**



**طراوت گل را جاده‌انگیم**  
**موسسه خیریه فطرت فاطمه (زهر) (س)**  
**روبه لنگ و توانمندسازی (م) و نیازمندان خاص**  
**برادر و خواهر نیکو کار**  
باینیاد ازامروز مجالس تر حیم و یاد بود را با گلهای همیشه بهار و با هدف والای حمایت از یتیم شکوه و معنویت بخشیم که رضای الهی و شادی روح متوفی در آن خواهد بود.  
برای سفارش تاج گل به نفع ایتم یک تلفن کافی است و حمل و نقل نیز رایگان می باشد.  
\*\*\*  
دفتر مرکزی: ۰۴-۰۸۹۸۱۳۳۵  
دفتر سفارش تاج گل: ۰۴-۲۶۳۰۰۲۰۰  
روابط عمومی: ۳۳۵۵۱۴۸  
سالانه پیام کوتاه: ۰۴۷۵-۲۰۰  
وب سایت: **www.fatemezhara.org**









## حضرت فاطمه (ع) در نگاه مقام معظم رهبری خصائص درخشان حضرت زهرا

آنچه در پی می آید،  
بخش‌هایی از سخنان  
مقام معظم رهبری در  
دیدار اقشار مختلف مردم،  
در ایام شهادت حضرت  
زهرا (علیها السلام) است  
که در ۲۲ آذر سال ۱۳۶۸  
بیان فرمودند.



\*\*\*

این ایام، به سیده زنان عالم و بانوی بزرگ تاریخ جهان، فاطمه زهرا (علیها السلام) متعلق است؛ زن نمونه‌ای که حیاتش با همه کوتاهی و عمر او در عین جوانی، الگویی برای همه مردان و زنان غیور و مؤمن و مسلمانان و حتی مردم غیر مسلمانی است که با مقام آن بزرگوار آشنا هستند و ما باید از زندگی آن بزرگوار درس بگیریم.

در زندگی زهرا (س) اطهر (سلام الله علیها) نکته‌ای وجود دارد که باید به آن توجه کرد. البته ما به تعریف مقامات معنوی آن بزرگوار وارد نمی‌شویم؛ زیرا قادر به درک و فهم آن مقامات نیستیم. حقیقتاً فقط خداوند است که در اوج قله معنویت انسانی و تکامل بشری، چنین بندگان را - و کسانی که هم‌طراز آنها باشند - می‌شناسد و مقام آنها را می‌بیند. لذا فاطمه زهرا را امیرالمؤمنین و پدر بزرگوار و اولاد معصومینش می‌شناختند. مردم آن زمان و زمان‌های بعد و ما نیز در این روزگار نمی‌توانیم آن درخشندگی و تالو معنویت را در آن بزرگوار تشخیص بدهیم. نور درخشان معنوی، به چشم همه کس نمی‌آید و چشم‌های نزدیک‌بین و ضعیف ما قادر نیست که آن جلوه درخشان انسانیت را در وجود این بزرگواران ببیند.

بنابراین در مقامات معنوی فاطمه زهرا (س) علیه السلام وارد نمی‌شویم. اما در زندگی این بزرگوار، نکته بسیار مهمی وجود دارد و آن اینکه ایشان از یک طرف به عنوان یک زن مسلمان به وظایف خانه داری و شوهر داری و نگهداری از فرزندان می‌پرداخت و از سوی دیگر به عنوان یک انسان مجاهد غیور خستگی‌ناپذیر، در برخورد با حوادث سیاسی مهم بعد از رحلت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)، به مسجد می‌آمد و به سخنرانی و موضع‌گیری و دفاع می‌پرداخت. همچنین ایشان عابد و قیام‌کننده در شب‌های تار و خاضع و خاشع برای پروردگار بود و در محراب عبادت، مانند اولیای کهن الهی، با خدا راز و نیاز می‌کرد.

حضرت فاطمه این سه بعد را با هم جمع کرده بود و هیچگاه از هم جدا نکرد و این نقطه درخشان زندگی ایشان بود. بعضی خیال می‌کنند انسانی که عابد و متضرع و اهل دعا و ذکر است، نمی‌تواند یک انسان سیاسی باشد. یا کسی که اهل سیاست است - چه زن و چه مرد - و در میدان جهاد فی سبیل الله حضور فعال دارد، اگر زن است، نمی‌تواند یک زن خانه، با وظایف مادری و همسری و کدبانویی باشد و اگر مرد است، نمی‌تواند یک مرد خانه و دکان و زندگی باشد. آنها تصور می‌کنند این سه وجه باهم منافات دارد؛ در حالی که از نظر اسلام، این سه با یکدیگر منافات و ضدیت ندارد و حتی به تکمیل شخصیت انسان هم کمک می‌کند. شما باید در محیط کار و زندگی، به وظایف شخصی خود عمل کنید و پیوندهای معمولی اجتماعی را به صورت سالم برقرار نمایید و در عین حال، باید در صحنه سیاست و انقلاب و اموری که نظام اجتماعی از شما می‌خواهد، حضور داشته باشید.

شما باید در راهپیمایی و سازندگی و میدان جنگ و انتخابات و در بیان عقیده سیاسی خود - آن جایی که اظهار عقیده واجب است - حضورتان را حفظ کنید و در تعیین سرنوشت کشور و انقلاب مؤثر باشید. در عین حال، رابطه معنوی و قلبی‌تان را با خدا از طریق عبادت و توجه و ذکر و حضور و معنویت و استمداد از خدا و توکل به او و انجام نوافل و فرایض تقویت کنید. این سه بعد، انسان مسلمان را می‌سازد. اسلام، این را از ما خواسته است و اگر بپرسند این امر چگونه میسر است؟ پاسخ می‌دهیم که ما الگوهایی مثل فاطمه زهرا (س) (سلام الله علیها) داریم.

## شمس اطلاعات

دوشنبه ۳۰ بهمن ۱۳۹۶ - ۲ جمادی الثانی ۱۴۳۹  
۱۹ فوریه ۲۰۱۸ - سال نود و دوم - شماره ۲۶۹۴۵

## سوگنامه فاطمه



دکتر سیدجعفر شهردی

## واپسین روزهای فاطمه (س)

با خویشتاوندان او نیز برقرار و سپس استوار ساختند و چنان که اشارت خواهیم کرد، بیشتر آنان این دوستی را با علی و فرزندان او و خاندان او به سر بردند. به هر حال پاسخی را که دختر پیغمبر به پرسش آنان داده است، نشان دهنده روحیه رنگ پذیر مردم آن زمان است، که با دیگر زمان‌ها یکسان است. دختر پیغمبر از رفتار مردان آنان گله مند است.

گفتار زهرا (ع) پاسخ احوالپرسی نیست، خطبه‌ای بلیغ است که اوضاع آن روز مدینه را روشن می‌سازد و از آنچه پس از یک ربع قرن پیش آمد، خبر می‌دهد. دیرینه ترین متن این گفتار را که نویسنده در دست دارد، کتاب «بلاغات النساء» است. اما این گفتار در کتاب‌هایی چون «امالی» شیخ طوسی، «کشف الغمّه»، «احتجاج» طبرسی و «بحار الانوار» مجلسی و دیگر کتاب‌ها آمده است. من عبارت احمد بن ابی طاهر را به فارسی برگردانده‌ام و چون این گفتار نیز صنعت‌های لفظی و معنوی را در بردارد، کوشیده‌ام تا ترجمه نیز از آن زیورها عاری نباشد، لکن:

بقیه در صفحه ۲

دختر پیغمبر نالان در بستر افتاد. در مدت بیماری او، از آن مردان جان برکت، از آن مسلمانان آماده در صف، از آنان که هر چه داشتند از برکت پدر او بود؛ چند تن او را دل‌داری دادند یا به دیدنش رفتند؟

هیچ کس! جز یکی دو تن از محرومان و ستم‌دیدگان چون بلال و سلمان. اما هر چه باشد زنان، عاطفه و احساسی رقیق‌تر از مردان دارند؛ به خصوص که در آن روزها، زنان بیرون از صحنه سیاست بودند و در آنچه می‌گذشت، دخالت مستقیم نداشتند. شیخ صدوق به اسناد خود که به فاطمه دختر حسین بن علی (ع) می‌رسد، می‌نویسد: «زنان مهاجر و انصار نزد او گرد آمدند». اما در عبارت احمد بن ابی طاهر تنها «زنان» آمده است و از مهاجر و انصار نامی نمی‌برد. اگر هم از زنان مهاجر کسی در این دیدار شرکت داشته، مسلماً وابسته به گروه ممتاز و دست‌اندر کار سیاست نبوده است. اما انصار موقعیت دیگری داشتند. آنان از آغاز، یعنی از همان روزها که پیغمبر را به شهر خود خواندند، پیوند خویش را





دکتر سید جعفر شهیدی

## واپسین روزهای فاطمه (س)

بقیه از صفحه اول  
گربریزی بحر را در کوزه ای

چند گنجد قسمت یک روزه ای  
— «دختر پیغمبر چگونه ای؟ با بیماری چه می کنی؟»  
به خدا دنیای شما را دوست نمی دارم و از مردان شما بیزارم! درون و برو نشان را آزمودم و از آنچه کردند ناخشنودم. چون تیغ زنگار خورده نابرا، و گاه پیش روی واپس گرا، و خداوندان اندیشه‌های تیره و نارسایند. خشم خدا را به خود خریدند و در آتش دوزخ جاویدند.  
ناچار کار را بدانها واگذاردم، و ننگ عدالت کشی را برایشان بار کردم، نفرین بر این مکاران و دور باشند از رحمت حق، این ستمکاران. وای بر آنان! چرا نگذاشتند حق در مرکز خود قرار یابد و خلافت بر پایه‌های نبوت استوار ماند؟

آنجا که فرود آمد، نگاه جبرائیل امین است و بر عهده علی که عالم به امور دنیا و دین است. به یقین کاری که کردند، خسروانی مبین است. به خدا علی را نپسندیدند، چون سوزش تیغ او را پوشیدند و پایداری او را دیدند. دیدند که چگونه بر آنان می تازد و با دشمنان خدا نمی سازد.

به خدا سوگند، اگر پای در میان می نهادند و علی را بر کاری که پیغمبر به عهده او نهاد، می گذاردند، آرام آرام ایشان را به راه راست می برد و حق هر یک را بدو می سپرد؛ چنان که کسی زیانی نبیند و هر کس میوه آنچه کشته است، بچیند. تشنگان عدالت را چشمه معدلت او سیر و زیوان در پناه صولت او دلبر می گشتند. اگر چنین می کردند، درهای رحمت را از زمین و آسمان به روی آنان می گشود، اما نکردند و به زودی خدا به کیفر آنچه کردند، آنان را عذاب خواهد فرمود.

بیایید و بشنوید: شگفتا! روزگار چه بوالعجب‌ها در پس پرده دارد و چه بازیچه‌ها یکی از پس دیگری برون می آرد. راستی

مردان شما چرا چنین کردند؟ چه عذری آوردند؟ دوست نمایانی غدار، در حق دوستان ستمکار و سرانجام به کیفر ستمکاری خویش گرفتار. سر را گذاشته به دُم چسبیدند. پی عامی رفتند و از عالم نپرسیدند. نفرین بر مردمی نادان که تبهکارند و تبهکاری خود را نیکو کاری می پندارند.  
وای بر آنان! آیا این که مردم را به راه راست می خواند، سزاور پیروی است، یا آن که خود راه را نمی دانند؟ در این باره چگونه داوری می کنید؟

به خدایان سوگند، آنچه نباید بکنند کردند. نواها ساز و فتنه‌ها آغاز شد. حال لختی بیابند تا به خود آیند و ببینند چه آشوبی خیزد و چه خونها بریزد! شاهد زندگی در کامها شرنگ و جهان پهناور بر همگان تنگ گردد. آن روز زیانکاران را باد در دست است و آیندگان به گناه رفتگان گرفتار و پای بست.

اکنون آماده باشید که گرد بلا انگیزخته شد و تیغ خشم خدا از نیام انتقام آهیخته. شما را نگذارد تا دمار از روزگارتان برآورد، آنگاه دریغ سودی ندارد. جمع شما را بیراکند و بیخ و بتان را بر کند. دریغا که دیده حقیقت بین ندارید. بر ما هم تاوانی نیست که داشتن حق را ناخوش می دارید. این سخنان که در آن روز درد دل و گله و شکوه بانویی داغدیده و ستم‌دیده می نمود، به حقیقت اعلام خطری بود. خطری که نه تنها مهاجر و انصار، بلکه رژیم حکومت و آینده نظام اسلامی را تهدید می کرد. دیری نگذشت که آنچه دختر پیغمبر در بستر بیماری و نیز روزهای پیش در جمع مسلمانان از آن خبر داد و مردم را از پایان آن ترساند، تحقق یافت.

آن روز گفتند پیغمبری و رهبری نباید در یک خاندان بماند، گفتند قریش، این تیره خود خواه و برتری جو، باید همچنان مهتری کند. آن روز پایان کار را نمی دیدند. ندانستند که مهتری از قریش به خاندان امیه و سپس به فرزندان ابوسفیان و تیره حکم بن عاص و مروانین می رسد. ندانستند که تند باد این تصمیم عجولانه، گردی را که بر روی اخگر سوزان دشمنی دیرینه عراقی و شامی انباشته است، به یکسو خواهد زد. ندانستند که هم‌چشمی قحطانی و عدنانی از نو آغاز می شود؛ دو گروه برابر هم خواهند ایستاد و خلیفه‌هایی جان خود را در این راه خواهند داد و سرانجام آتشی سر می زند که سراسر شرق و سپس حجاز و شام و مغرب اسلامی را فرا می گیرد که: «... ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یموتوا ما بانفسهم...» (رعد/۱۱)

دختر پیغمبر چند روز را در بستر بیماری بوده؟ درست نمی دانیم. چند ماه پس از رحلت پدر زندگانی را بدرد گرفته؟ روشن نیست. کمترین مدت را چهل شب و بیشترین مدت را هشت ماه نوشته اند و

میان این دو مدت روایت‌های مختلف از دوماه تا هفتاد و پنج روز، سه ماه و شش ماه است.

این همه اختلاف و این همه روایت‌های گوناگون، چرا؟ پیش از این نوشتیم که در چنان سالها، تاریخ حادثه‌ها از خاطر یکی به ذهن دیگری انتقال می یافت و چه کسی می تواند ادعا کند که همه این ناقلان از اشتباه برکنار بوده اند. این در صورتی است که موجبات دیگر در کار نباشد. اما می‌دانیم که در آن روزهای پر آشوب، از یکسو دسته بندی‌های سیاسی هنوز قوت خود را از دست نداده بود و از سوی دیگر مسلمانان سرگرم جنگ در داخل سرزمین اسلام بودند. در چنین شرایط کدام کس پروای ضبط تاریخ درست حوادث را داشت؟

بر فرض که هیچ یک از این دو عامل دخالتی در این رویداد نداشته باشد، بدون شک دسته‌های سیاسی که پس از این تاریخ روی کار آمدند؛ تا آنجا که توانسته اند تاریخ حادثه‌ها را دستکاری کرده اند.

بباری، به نقل مجلسی از «دلائل الامامه» در این بیماری بود

که دو تن از صحابی پیغمبر، خواستار دیدار او شدند، اما دختر پیغمبر رخصت این دیدار را نمی‌داد. علی (ع) گفت من پذیرفته ام که تو به آنان اجازه ملاقات دهی. فاطمه گفت حال که چنین است خانه خانه تو است؛ هر چند این سعد نوشته است که یکی از آنان چندان با دختر پیغمبر سخن گفت که او را خشنود ساخت، اما ظاهراً از این ملاقات نتیجه ای که در نظر بود به دست نیامد.

دختر پیغمبر به آنان گفت نشنیدید که پدرم فرمود: «فاطمه پاره تن من است هر که او را بیازارد مرا از رده است» گفتند: چنین است! فاطمه گفت: شما مرا آزدید و من از شما ناخشنودم و آنان از خانه او بیرون رفتند.

بخاری در صحیح می نویسد: «پس از آن که دختر پیغمبر میراث خود را از خلیفه خواست و او گفت از پیغمبر شنیدم که ما میراث نمی گذاریم؛ زهرا دیگر با او سخن نگفت تا مُرد.»

در واپسین روزهای زندگی، اسماء، دختر عمیس را که از مهاجران حبشه و از نزدیکان وی بود، طلبید. (اسماء نخستین زن جعفر بن ابی طالب بود و چون جعفر در نبرد موه شهید شد، به ابوبکر بن ابی قحافه شوهر کرد.) دختر پیغمبر به اسماء فرمود: من خوش نمی دارم بر جسد زن جامه ای بپوشانند و اندام او از زیر جامه نمایان باشد. اسماء گفت: من درحیثه چیزی دیدم، اکنون صورت آن را به شما نشان می دهم. سپس چند شاخه تر خواست، شاخه‌ها را خم کرد و پارچه ای به روی آنها کشید. دختر پیغمبر گفت: چه چیز خوبی است. نعش زن را از نعش مرد مشخص می سازد. چون من مُردم، تو مرا بشوی و نگذار کسی نزد جنازه من بیاید.

در آخرین روز زندگانی آبی خواست. بدن خود را نیکو شست و شو داد و جامه‌های نو پوشید و به غرفه خود رفت. خادمه خویش را گفت تا بستر او را در وسط غرفه بگستراند. سپس روی به قبله دراز کشید، دست‌ها را بر گونه‌ها نهاد و گفت من همین ساعت خواهم مُرد.

به نقل علمای شیعه، شوهرش علی (ع) او را شست و شو داد. ابن‌سعد نیز همین روایت را اختیار کرده است. لیکن چنان که نوشتیم، ابن‌عبدالبر گوید دختر پیغمبر اسماء را گفت تا متصدی شست و شوی او باشد و گویا اسماء در شست و شوی فاطمه (ع) با علی علیه السلام همکاری داشته است.

ابن‌عبدالبر نوشته است: چون دختر پیغمبر زندگانی را بدرد گفت، یکی از همسران پیامبر خواست به حجره او برود، اسماء طبق وصیت او را راه نداد. او شکایت به پدر برد که: این زن خشمیه میان من و دختر پیغمبر در آمده است و نمی گذارد من نزد او بروم. به علاوه برای او حجره ای چون حجره عروسان ساخته است. او به در حجره دختر پیغمبر آمد و گفت: اسماء چرا نمی گذاری زنان پیغمبر نزد دختر او بروند؟ چرا برای دختر پیغمبر حجره ساخته ای؟

اسماء گفت: زهرا به من وصیت کرده است کسی بر او داخل نشود. چیزی را که برای او ساخته ام، وقتی زنده بود به او نشان دادم و به من دستور داد مانند آن را برایش بسازم.

او گفت: حال که چنین است هر چه به تو گفته چنان کن. ابن‌عبدالبر نوشته است نخستین کس از زنان که در اسلام برای او بدین سان تابوت ساختند، فاطمه (ع) دختر پیغمبر (ص) بود. سپس مانند آن را برای زینب بنت جحش (زن پیغمبر) آماده کردند.

### آئینه احمد نما شکسته

حبیب‌چایچیان (حسان)

شد حرمت بیت خدا شکسته  
خاکم به سر، این در چرا شکسته  
آل کسا در این سرا چو جمع اند  
شد حرمت آل کسا شکسته  
مرآت حق نداشت قلب آنان  
سنگ جفا آئینه‌ها شکسته  
این در چو قبله گاه جبرئیل است  
باب حریم کبریا شکسته  
اینجا ملک اذن ورود گیرد  
از چیست باب این سرا شکسته؟  
چون خانه مولود کعبه اینجا است  
شد حرمت بیت خدا شکسته  
این خانه بیت رحمت الهی است  
دشمن چرا این باب را شکسته  
مایین این دیوار و در خدایا  
آئینه احمد نما شکسته  
زهرا بُود چون بضعه پیمبر  
زین ضربه صدر مصطفی شکسته  
از کشتن شش‌ماهه محسن او  
قلب علی مرتضی شکسته  
بر سینه دست غم چگونه کوید؟  
چون سینه صاحب عزا شکسته

### آیه آیه کوثر آتش گرفت

یوسف رحیمی

آیه آیه کوثر آتش گرفت  
سوره چشم ترت آتش گرفت  
لخته لخته بغض‌های بی کسی  
در نگاه پرپرت آتش گرفت  
همفلس با شعله‌ها فتنوس وار  
ناگهان بال و پرت آتش گرفت  
گوشوارت در هجوم غم شکست  
گوشه‌های معجرت آتش گرفت  
لاله لاله پر شد اقلیم تن  
یاس‌های بسترت آتش گرفت  
گریه کردی غربت لب تشنه را  
لحظه‌های آخرت آتش گرفت  
شعله از بغض نگاهت می چکید  
سوره چشم ترت آتش گرفت

### ولی مدینه نفهمید او بهارم بود

پیمان طالبی

بدون یار شدم، رفت آن که یارم بود  
همان که وقت غم و غصه غمگسارم بود  
از این قنوت و از این دست‌های سرد تهی  
مشخص است که هم دار و هم ندارم بود  
مرا به تیغ نیازی نبود تا او بود  
به ذوالفقار چه حاجت که ذوالفقارم بود  
نکشت و گشت مرا، جان گرفت و هم‌جان داد  
تبسمش، که تسلی جان زارم بود  
هزار گل پس از او روی بسترش جاماند  
منم پیمبر بعد از پیمبر خاتم  
که گریه، وحی من و چاه کوفه، غارم بود  
در آن زمان که عدو خواست تا مرا ببرد  
جواب محکم زهرا «نمی گذارم» بود

### خاک را کیمیا کند زهرا

سید رضا مؤید

گر نگاهی به ما کند زهرا  
دردها را دوا کند زهرا  
بر دل و جان ما صفا بخشد  
گوشه چشمی به ما کند زهرا  
کم مخواه از عطای بسیاریش  
کأنچه خواهی عطا کند زهرا  
نه عجب به شأن او گویند  
خاک را کیمیا کند زهرا  
این مقام کنیز او باشد  
تا دگر خود چه ها کند زهرا  
روز محشر که از شفاعت خویش  
حشر دیگر به پا کند زهرا  
همچو مرغی که دانه برچیند  
دوستان را جدا کند زهرا





## حضرت زهرا، تجسم رضایت و سخط الهی



آیت الله العظمی وحید خراسانی

خشمگین نمی‌شود، مگر این که خداوند را از آن چیز خشمگین ببیند و این همان بشری است که به مقام «و ما ينطق عن الهوى إن هو إلا وحي يوحى» (از روی هوا و هوس حرفی را نمی‌زند و هرچه که می‌فرماید چیزی جز وحی خداوند که به او نازل شده،

نیست. نجم / ۳ و ۴) رسیده است. و این همان درجه‌ای است که از آن به عصمت خاتمی تعبیر می‌شود؛ عصمتی که غیر از عصمت ابراهیمیه است، عصمت ابراهیمیه نیز با عصمت یونسیه متفاوت است.

عصمت حضرت یونس (ع) هم عصمت است: «وَذَا التَّوْنِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ». و یاد آر حال یونس را هنگامی که از میان قوم خود غضبناک بیرون رفت و چنین پنداشت که ما هرگز او را در مضیقه و سختی نمی‌افکنیم. آنگاه در آن ظلمات‌ها فریاد کرد که الهی، خدایی به جز ذات یکتای تو نیست، تو از شرک و شریک پاک و منزهی و من از ستمکارانم. (انبیاء / ۸۷)

او پیامبر خدا و معصوم است؛ اما خودش را محتاج می‌بیند که به مقامی بالاتر برسد: «سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ» و آن حضرت، قبل از آن که وارد شکم ماهی شود، به آن مقام نرسیده بود.

یوسف (ع) نیز پیامبر خدا و معصوم است و عصمتش همان برهانی بود که خداوند به او نشان داد: «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَىٰ بُرْهَانَ رَبِّهِ كَذَلِكَ لَتَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ» آن زن باز اصرار کرد و اگر لطف خاص خدا و برهان روشن حق نگهبان یوسف نبود او هم به میل طبیعی اهتمام می‌کرد. این چنین عمل زشت و فحشا را از او دور کردیم که همانا او از بندگان معصوم ماست. (یوسف / ۲۴)

اما یوسف (ع) در یک درجه عصمت داشت: «و قَالَ لِلَّذِي ظَنَّ أَنَّهُ نَاجٍ مِنْهُمَا اذْكُرْنِي عِنْدَ رَبِّكَ فَأَنْسَاهُ الشَّيْطَانُ ذِكْرَ رَبِّهِ فَلَبِثَ فِي السِّجْنِ بضع سنين» (یوسف / ۴۲). آنگاه یوسف از رفیقی که او را اهل نجات یافت، درخواست کرد که مرا نزد پادشاه یاد کن. در آن حال شیطان یاد خدا را از نظرش بیرد و بدین سبب در زندان چند سال محبوس ماند. اما تسلیم مطلق نسبت به حب و بغض، خشنودی و غضب خداوند، مقامی خاص است که این مقام مخصوص برترین مخلوقات و خاتم پیامبران و رسولان است. این مقامی است که می‌توان گفت: اوست که از خشنودی خدا خشنود و از غضب خدا خشمگین می‌شود، و از طرفی دیگر خداوند تبارک و تعالی نیز از خشنودی او خشنود و از غضب او خشمگین می‌شود.

آیا بخاری و ذهبی فهمیده‌اند که چه چیزی را روایت کرده‌اند: «إِنَّ الرَّبَّ يَرْضَىٰ لِرَضَا فَاطِمَةَ وَيَغْضِبُ لَغَضَبِ فَاطِمَةَ» و آیا فهمیده‌اند که اگر پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «همانا فاطمه با خشنودی خدا خشنود و با غضب خدا غضبناک می‌شود»، این کلام دال بر این مطلب است که منشأ خشنودی و خشم حضرت فاطمه (س) نفس ایشان نیست، بلکه منشأ آن خداوند تبارک و تعالی است و این همان درجه عصمت کبری است که رسول الله (ص) دارد. بالاتر از آن، کلام پیامبر اکرم (ص) است که می‌فرمایند: «إِنَّ الرَّبَّ يَرْضَىٰ لِرَضَا فَاطِمَةَ وَيَغْضِبُ لَغَضَبِ فَاطِمَةَ؛ همانا خداوند از خشنودی فاطمه (س) خشنود و از غضب او غضبناک می‌شود». این به چه معناست که به درجه‌ای برسد که «لام» خشنودی از طرف فاطمه (س) باشد (یعنی خداوند از خشنودی فاطمه (س) خشنود شود و این مقام بالاتر است از این که فاطمه (س) از خشنودی خدا خشنود گردد).

اینجاست که معنای این سؤال فهمیده می‌شود که فاطمه (س) را چه کسی می‌شناسد، این فاطمه (س) چه کسی است؟ و در جواب سخن امام جعفر صادق (ع) را بیان می‌کنیم که می‌فرمایند: «إِنَّمَا سَمِّيتُ فَاطِمَةَ فَاطِمَةَ لِأَنَّ النَّاسَ فَطَمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا؛ همانا فاطمه، فاطمه نامیده شد، چرا که مردم از شناخت ایشان ناتوانند.» (تفسیر فرات، ص ۵۸۱)

بسا دلیل ثابت کردیم که از معرفت و درک مقام حضرت فاطمه (س) عاجز هستیم، ما از معرفت آن درجه بالایی که خداوند متعال رضایش را در رضایت او و غضبش در در غضب او گذارده است، عاجز هستیم. عاجز هستیم از معرفت این مخلوق ربانی و حورای انسانی، او کیست؟...

امیر مؤمنان حضرت علی (ع) در شب دفن پیکر مبارک حضرت فاطمه (س) می‌فرمایند:

«أَمَّا حَزَنِي فَسَرَمْتُ وَأَمَّا لَيْلِي فَمَسْهَرْتُ: حزن و اندوهم همیشگی شد و خواب بر من حرام گشت.» (امالی مفید، ص ۲۸۱).

بہتر است بدانیم کسی که این جمله را بیان می‌کند، دنیا و آخرت را شناخته و هر دو آنها را زیر پایش گذاشته است. ملاحظه کنید هنگامی که بر جنازه حضرت نماز می‌خواند، چه می‌فرماید. آنچه برای او در کنار پیکر همسرش اتفاق افتاد، هیچ جا رخ نداده است. در بحارالانوار حدیثی از ابی عبدالله الحسین (ع) نقل شده است که فرمودند: «إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (ع) غَسَلَ فَاطِمَةَ (س) ثَلَاثًا وَ خَمْسًا، وَ جَعَلَ فِي الْغَسْلَةِ الْخَامِسَةِ الْآخِرَةَ شِبْنًا مِنَ الْكَافُورِ، وَ أَشْعَرَهَا مِثْرًا سَابِغًا دُونَ الْكُفْنِ، وَ كَانَ هُوَ الَّذِي يَلِي ذَلِكَ مِنْهَا، وَ هُوَ يَقُولُ: اللَّهُمَّ إِنِّهَا أَمْتُكَ، وَ بِنْتُ رَسُولِكَ، وَ صَفِيَّةُكَ وَ خَيْرَتُكَ مِنْ خَلْقِكَ، اللَّهُمَّ لَقْنَهَا حَجَّتَهَا، وَ أَعْظَمَ بُرْهَانَهَا، وَ أَعْلَىٰ دَرَجَتَهَا، وَ اجْمَعْ بَيْنَهَا وَ بَيْنَ أَبِيهَا مُحَمَّدٍ (ص). فَلَمَّا جَنَّ اللَّيْلُ غَسَّلَهَا عَلِيٌّ، وَ وَضَعَهَا عَلَى السَّرِيرِ، وَ قَالَ لِلْحَسَنِ: أَدْعُ لِي أَبَاكَ فِدَاعًا، فَحَمَلَا إِلَى الْمَصْلِيِّ، فَصَلَّىٰ عَلَيْهَا ثَمَّ صَلَّى رَكَعَتَيْنِ، وَ رَفَعَ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ فَنَادَى: هَذِهِ بِنْتُ نَبِيِّكَ فَاطِمَةُ، أَخْرَجْتَهَا مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ، فَأُضَاءَتِ الْأَرْضُ مِثْلًا فِي مِيلٍ.»

یعنی: امیرالمؤمنین (ع)، فاطمه (س) را سه بار و پنج بار غسل دادند، در آخر غسل پنجم مقداری از کافور استفاده کردند و مژری بر بدن آن حضرت پوشاندند و سپس فرمودند: خدایا، فاطمه از امت تو و دختر رسول توست، صفی و برگزیده خلق توست، حاجتش را به او نشان ده و مقام او را عالی گردان و بین او و پدرش جمع کن...

و آن هنگام که شب شد، علی (ع) او را غسل داد و بر تختی خوابانید و رو به حسن کرد و گفت: اباذر را بیاور، و او آمد. حضرت فاطمه (س) را به سوی محراب حمل کرد و دوباره دو رکعت نماز به جا آورد، سپس دستانش را به سوی آسمان بلند کرد و فرمود: این دختر پیامبر است، او را از ظلمات خارج و به سوی نور هدایت فرما. در آن هنگام منطقه‌ای از زمین نورانی شد. (ج ۴۳، ص ۲۱۴)

جمله آخر حضرت به چه معناست؟ ملاحظه بفرمایید، این جمله مجمل بیان شده، ممکن نیست جز برای غیر خدا این جمله گفته شود. حضرت می‌فرماید: خداوند! فاطمه (س) را از این دنیای تاریکی‌ها گرفتی و به سوی نور، نور آسمان‌ها و زمین فرستادی. ملاحظه بفرمایید که خداوند متعال دعای امیرالمؤمنین را اجابت فرمود. خداوند به حضرت فرمود: «همان‌گونه که روح او را از نور پروردگار خلق کردم، او را به سوی نور فرستادم.» و هنوز سخنان حضرت امیر (ع) تمام نشده بود که خداوند او را تصدیق نمود و نقطه نوری از بدن طاهر حضرت فاطمه (س)، قسمتی از زمین را نورانی کرد. این چه معنایی می‌دهد؟ به این معناست که «إِنَّ اللَّهَ وَ إِنَّا إِلَهِهُ رَاجِعُونَ» برای همه است، ولی فاطمه (س) به نور خدا پیوست؛ نوری که از آن خلق شده بود. این مقام فاطمه است... روحش به نور خداوندی پیوست و این گونه آن جهان از بدن طاهری که از عالم ظلماتی به عالم روحانی شتافت، استقبال نمود.

مقام صدیقه کبری فاطمه زهرا (س) مقام بسیار بزرگی است. ایشان بر گردن مسلمانان حق بزرگی دارند، ولی متأسفانه آن‌گونه که مستحق است، این حق را ادا نکرده‌ایم. از آن می‌ترسم که محکمه‌ای در دنیا که قاضی آن حضرت صاحب الزمان، ارواحنا له الفداء، یا در آخرت که قاضی آن خداوند تبارک و تعالی باشد، تشکیل شود و ما را مورد سؤال قرار دهند که آیا برای ادای حقتان نسبت به حضرت فاطمه زهرا (س) کاری انجام داده‌اید؟ حتی به مقدار اعتراف یک فقیه سنی؟ می‌ترسم که آن زمان جوابی نداشته باشیم.

باید آنچه را که صحیح بخاری درباره حقوق حضرت فاطمه (س) آورده است، ببینیم؛ و لو غیر عامدانه. متعصب‌ترین و نقادترین فقهای اهل سنت، بخاری را صحیح و معتبر می‌دانند، در این کتاب از ابی ولید، از ابن عیینه، از عمرو بن دینار و از ابن ابی ملیکه روایت شده است که رسول الله (ص) فرمود: «فاطمه بضعة مني، من اغضبها فقد اغضبني؛ فاطمه (س) پاره تن من است، هر کس او را غضبناک کند، مرا خشمگین کرده است.»

می‌خواهیم در مورد این حدیث بحث و بررسی کنیم. حدیثی که یک فقیه سنی آنرا روایت می‌کند و در میان فقهای اهل سنت، سند این حدیث صحیح و از درجه بالایی برخوردار است؛ چرا که بخاری - کسی که در صحت احادیث بسیار محتاط است - آن را از امام جعفر صادق (ع) نقل کرده است و از طرفی ذهبی - که از نقادترین افراد نسبت به احادیث است - این حدیث را صحیح و معتبر دانسته و آن را به گونه‌ای دیگر روایت می‌کند: «إِنَّ الرَّبَّ يَرْضَىٰ لِرَضَا فَاطِمَةَ وَيَغْضِبُ لَغَضَبِ فَاطِمَةَ؛ همان خداوند با خوشنودی فاطمه خشنود و با ناراحتی فاطمه ناراحت می‌شود.» (مستدرک الحاکم، جلد ۳، ص ۱۵۴)

پس در نزد آنها این حدیث از لحاظ سند در حد قطعی الصدور از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است. ما حدیث بخاری را مفسر و مؤیدی بر حدیث ذهبی می‌دانیم. حال می‌گوییم این حدیث بر چه چیزی دلالت می‌کند؟ خشنودی و غضب در انواع مردم از کجا ناشی می‌شود؟ حیات نباتات به دو عامل بستگی دارد؛ عامل اول قوت جذب و عامل دوم قوت دفع است. این دو قوت در حیات حیوان به صورت دو قوه خشنودی و خشم ظاهر می‌شود، که هر دو ناشی از طبع و غریزه‌اند، اما در حیات انسانی چه؟ معنای حیات انسانی آن است که هریک از ما به درجه انسانی برسد که رکن و پشتیبان وجودش، عقلش باشد: «دعامة الإنسان عقله» (علل الشرایع، جلد ۱، ص ۱۰۳). اینجاست که عقل منشأ تمام خشنودی‌ها و خشم‌ها در وجود انسان می‌گردد، اما قبل از آن، منشأ آن دو طبع و غریزه بود. آیا من به مرحله انسانی که منشأ خشنودی و خشمش عقل است، رسیده‌ام؟ هرگز، اصلاً؛ هر عاقلی در اولین درجات تعقلش باید بداند که به درجه انسان عاقل نرسیده است. این اعتراف خیلی مهم است. آیا ما تاکنون فهمیده‌ایم که محک انسانیتان و میزان

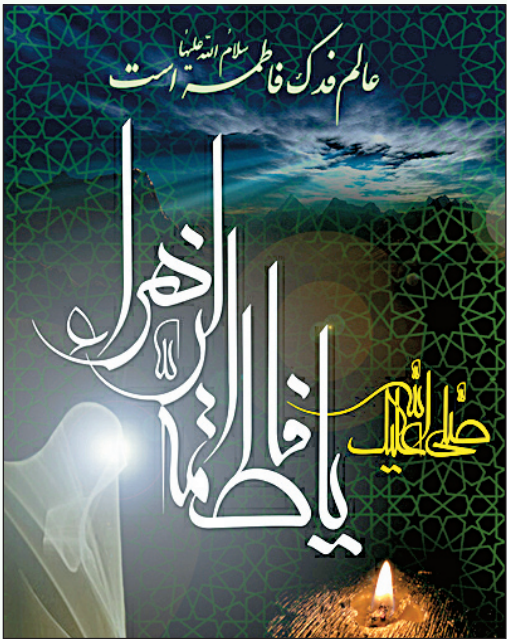


شهادت صدیقه کبری فاطمه زهرا (صلوات الله علیها) را به پیشگاه بقیة الله (ارواح من سواه فداء) تعزیت عرض می‌کنیم و از ذات اقدس الهی مسئلت می‌کنیم تویی عموم علاقه‌مندان به قرآن و عترت، مخصوصاً ولایت‌مداری شما برادران و خواهران بزرگوار را ذخیره دنیا و آخرت همه قرار بدهد و همگان را مشمول عنایت ولی عصر (ارواحنا فداء) قرار بدهد.

درباره فاطمه زهرا (سلام الله علیها) از دو محور باید سخن گفت: یک محور، مربوط به تحقیقات علمی است که برای ما ثمره علمی و نتیجه اعتقادی دارد و پشتوانه مسائل اخلاقی، فقهی، حقوقی ما هم هست. محور دوم، آن بخشی است که مستقیماً به ما مربوط است، ما باید تاسی کنیم، او را اسوه قرار بدهیم، الگو بدانیم، پیروی کنیم و مانند آن. آن بخشی که مربوط به مسائل اعتقادی است و ثمره علمی دارد،

## گزیده ای از سخنرانی آیت الله جوادی آملی در سالروز شهادت حضرت زهرا (س)

# ابعاد علمی و عملی شخصیت حضرت فاطمه



بررسی مقام منبع آن بانو (سلام الله علیها) است که او همتای قرآن کریم است، همتای نبوت است، همتای رسالت است، همتای ولایت است؛ چیزی از ولی الله مطلق کم ندارد، اینها یک نورند و مانند آن. این گونه از مباحث به هر نتیجه‌ای که منتهی بشود، برای ما ثمره اعتقادی دارد، ثمره علمی دارد، اما نتیجه عملی ندارد؛ زیرا ما نه آن توان را داریم که آن حضرت را در ولایت مطلقه و همتایی قرآن الگو قرار بدهیم؛ نه چنین مأموریتی داریم. بخش دوم مربوط به سیره و سنت آن حضرت است که ما هم موظفیم بررسی کنیم و هم مأموریم پیروی کنیم.

### همتای قرآن در مقام حدوث و بقاء

آن بخش اول به طور اجمال اینجا مطرح می‌شود؛ نه به طور تفصیل برای این که پشتوانه علمی بخش دوم خواهد بود، سرّ این که این بانو (سلام الله علیها) حجت بر ائمه (علیهم السلام) است و اگر علی بن ابی طالب (ع) نبود، احدی همتای آن حضرت نبود؛ آدم و من دونه.

این است که او [فاطمه] مثل خود قرآن کریم در مقام حدوث و بقاء شکل گرفت. قرآن از زمین برنخاست (از فکر کسی تدوین نشد، هیچ عالم بشری این قرآن را تدوین و تنظیم نکرد. سورش، آیاتش، معارفش و مفاهیمش را بررسی و انشا نکرد). مستقیماً از جهان غیب نازل شد و در طی ۲۳ سال ماند و برای ابد جای خود را تثبیت کرد. این سه کار را قرآن کرد، یعنی از زمین برنخاست، بلکه از آسمان نازل شد اولاً و نزولش هم ۲۳ سال طول کشید، ثانیاً و ماند که برای ابد بماند، ثالثاً.

این طور نیست که — معاذالله — قابل زوال باشد، از بین رفتنی باشد: «لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ». انسان کامل مخصوصاً فاطمه زهرا (سلام الله علیها) هم، وقتی هویّت آن حضرت را ارزیابی می‌کنیم می‌بینیم در همین مثلث خلاصه می‌شود: او از زمین برنخاست، بلکه از آسمان نازل شد و تقریباً همسفر قرآن کریم بود تا قرآن آیاتش سورش نازل می‌شد، او هم روزانه متکامل می‌شد ترقی می‌کرد و تا قرآن به پایان رسید، عمر این بی‌بی هم به پایان رسید و برای ابد ماند؛ گرچه «إِنِّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ» شامل همه انسان هاست. آن مثلث درباره قرآن روشن است؛ همه ما می‌دانیم که این کتابی است از ذات اقدس الهی نشأت گرفته و هیچ فکری او را تدوین نکرده است. از آسمان غیب نازل شده، ۲۳ سال به تدریج این کتاب نازل شده؛ بعد از این که «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ» و سایر آیات نازل شد؛ این کتاب، نه یک کلمه که نه یک کلمه زیاد «الی یوم القیامه» ماندنی است. پس از آسمان نازل شد، از غیب نازل شد، اولاً در طی ۲۳

سال به تدریج متکامل شد. ثانیاً تا به «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ» و مانند آن رسید و ماند برای ابد. ثالثاً جریان فاطمه زهرا (صلوات الله و سلامه علیها) هم همین طور است.

طبیعۀ آسمانی پیدایش حضرت زهرا



آیت الله جوادی آملی

وقتی وجود مبارک پیغمبر (علیه و علی آلّه آلاف التحية و الثناء) به مقام شامخ نبوت بار یافتند و به معراج رسیدند، در معراج غذایی میل کردند. وقتی از معراج نازل شدند، به زمین آمدند، دیگر تماسی نداشتند؛ مگر این که آن غذا به صورت نطفه در بیاید، آن

میوه آسمانی و غیبی و بهشتی. آن میوه غیبی و بهشتی وقتی در صلب مطهر رسول اکرم به صورت نطفه فاطمه (س) درآمد، در قرار مکین خدیجه (س) مستقر شد؛ پس وجود مبارک این بانو نظیر افراد دیگر (نظیر مردها یا زنهای عادی نیست) که نطفه آنها محصول آب و غذا و میوه زمین باشد واز زمین برخاسته باشد.

همان طوری که قرآن نظیر کتاب های بشری نیست که محصول فکر بشر باشد، نطفه وجود مبارک فاطمه (سلام الله علیها) هم محصول آن میوه غیب است (میوه بهشت است). از زمین برنخاست، منتها این چند سالی که طول کشید تا این نطفه مستقر بشود، این مقدمه انعقاد نطفه است. باید وحی نازل بشود، باید پیامبر به آن مقام وحی یابی برسد، باید آن انقطاع وحی به عنوان آزمون فرا برسد، باید نوبت معراج فرا برسد، باید پیغمبر به معراج برود، باید در معراج آن میوه بهشتی را میل کند، بعد آن نطفه بشود تا بشود فاطمه. وقتی هم که از معراج آمدند، یک سال یا کمتر طول کشید تا وجود مبارک فاطمه متکونه بشود، این طلیعه پیدایش و تجلی آن بانو در عالم طبیعت است.

### همراهی حضرت با قرآن در نشئه دنیا

ضلع دوم این مثلث آن است که حالا چون ۲۳ سال این قرآن به تدریج نازل شد؛ این پنج سال اول تقریباً مقدمه بود برای پیدایش چنین معراجی و چنان میوه‌ای و چنین نطفه‌ای. همراه با نزول آیات و سور و معارف قرآن کریم، این بانو ترقی می‌کرد. اگر دو ساله بود در شعب ابی طالب، با آن آیات و مشکلاتی که نازل می‌شد، ترقی می‌کرد و اگر چند سال در مکه تشریف داشتند، با آیات مکی متری می‌شدند و اگر چند سال در مدینه تشریف داشتند، با آیات مدنی متری می‌شدند.

### راههای ارتباط حضرت با قرآن

وجود مبارک فاطمه (سلام الله علیها) از چندین راه با قرآن رابطه داشت. گاهی مستقیم، گاهی غیر مستقیم. مستقیمش هم دو نحو بود؛ یک نحو مستقیمش این بود که از وجود مبارک پیغمبر (علیه و علی آلّه آلاف التحية و الثناء)، آیات را، تلاوت آیات را، تعلیم کتاب و حکمت را، تزکیه را (این چهار کار را) که وظیفه رسمی پیغمبر بود فرا می‌گرفت: «أَتَلَوْا عَلَيْهِمْ آيَاتَهُ»، «يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ». این چهار برنامه را مستقیماً از مشهد و مکتب و محضر

پدر بزرگوارش استفاده می‌کرد و هر روز این دو شاگرد را به پیشگاه رسول گرامی می‌فرستاد؛ یعنی حسن و حسین —علیهما السلام — سفیران فاطمه بوده‌اند.

این که در آن قصه هست که وجود مبارک امام حسن(ع) گزارش می‌داد، بعد عرض کرد مادر امروز گویا یک بزرگواری مرا می‌بیند، قل بیانی و کل لسانی لعل سیدنا یرعانی؛ این قضیه فی واقعه نبود که یک روز گزارش داده باشند، هر روز گزارش می‌دادند، منتها آن روز وجود مبارک علی بن ابی طالب (سلام الله علیه) از پشت در یا پرده، ناظر صحنه بود. هر روز وجود مبارک فاطمه (سلام الله علیها) حسنین را به مشهد و به محضر و به مکتب پیغمبر می‌فرستاد، بعد از آنها استطاق می‌کرد که امروز چه آیه‌ای نازل شد؟ پیغمبر چه فرمود؟ آیه را چنین معنا کرد، چنان معنا کرد. این آیه را با آن آیه چگونه هماهنگ کرد؟ اینها هم را گزارش می‌دادند. در تکمیل گزارش با پدر بزرگوارش هم مذاکره می‌کرد.

سفیر سومی که وجود مبارک فاطمه (سلام الله علیها) داشت، علی بن ابی طالب بود که باب مدینه علم بود. آن هم مرتب گزارش می‌داد؛ امروز این آیه نازل شد و پیغمبر این چنین معنا کرد، این چنین تفسیر کرد و مانند آن. این سه راه را که یکی مستقیم و دوتا غیر مستقیم بود، وجود مبارک بی‌بی (سلام الله علیها) داشت. راه دیگری که غیر مستقیم است و هر کسی می‌تواند آن را داشته باشد، منتها گرچه در نظام تکوین هر فیضی که به انسان عادی می‌رسد به وسیله آن انسان کامل است که «بیمنه رزق الوری وبوجوده ثبتت الأرض والسما»، ولی به حسب ظاهر انسان یک راه مستقیمی هم پا ذات اقدس الهی دارد. آن راه را هم خدا وعده داد که «اتَّقُوا اللَّهَ وَيُعَلِّمُكُمُ اللَّهُ». در سوره «انفال» بالاتر از این را وعده داد: «إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا»؛ شما را به فرقان نائل و متبرک می‌کند که بالاتر از علم است. خب این که فرمود: تقوا پیشه کنید از یک سو، خداوند معلم شما می‌شود؛

از سوی دیگر «اتَّقُوا اللَّهَ وَيُعَلِّمُكُمُ اللَّهُ». این بی‌بی (سلام الله علیها) در اثر آن تقوای کامل شاگرد مستقیم ذات اقدس الهی بود. معارفی را از آنجا فرا می‌گرفت و از این که در سوره «انفال» خدا وعده داد: «إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا» این بی‌بی (سلام الله علیها) مثل اعلای تقوا بود، ذات اقدس الهی فرقان بین حق و باطل را به او عطا کرده است.

این مجموعه این قدر ادامه داشت تا قرآن به پایان برسد. همین که در اواخر عمر مبارک پیغمبر (علیه و علی آلّه آلاف التحية و الثناء) قرآن به پایان رسید و دیگر آیه‌ای نازل نشد، طولی هم نکشید که این پدر و آن دختر هر دو رحلت کردند. بی‌بی (سلام الله علیها) بیش از ۷۵ روز یا ۹۵ روز بعد از رحلت رسول گرامی (سلام الله علیهما) نماند. تقریباً وقتی نازل شدن قرآن تمام شد، عمر این بی‌بی هم تمام شد. او با قرآن نفس می‌کشید، با قرآن کامل می‌شد، با قرآن مترقی بود، با قرآن مانوس بود؛ منتها قرآن آمد که بماند، این بی‌بی هم آمد که بماند. بدنش البته رحلت کرده است و اما جان او همچنان زنده است. این بخش اول بود که پشتوانه مسائل بخش دوم است.

### همتایی با قرآن در زوال ناپذیری

اما آنچه که ما موظفیم به این بانو اقتدا کنیم و وظیفه داریم، مأمور هستیم و راهش هم ممکن است، آن است که این بانو (سلام الله علیها)، هم در اعتقادات، هم در اخلاق، هم در حقوق، هم در فقه مطالب فراوانی را فرمودند و عمل کردند و تعلیم دادند و دستور عمل کردن را هم به ما دادند.

سرّ این که در پایان بخش اول به این نتیجه رسیدیم که وجود مبارک فاطمه آمد که بماند، نه آمد که برود؛ نظیر افراد دیگر نیست که می‌آیند و می‌روند بلکه او آمد که بماند و اگر امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) درباره عالمان دین فرمود: «العلماء باقون ما بقی الدهر»، مصداق کامل و بالذات این علما خود معصومین‌اند و چون فرمود: «نحن العلماء وشيعتنا المتعلمون وسائر الناس غناء» و اگر علما شامل غیر معصوم بشود، بالعرض و بالتبع است. آن عالمی که ارتباطش به اهل بیت کامل است آن می‌ماند؛ آن عالمی که بهره ولایی‌اش کم است کم می‌ماند؛ آن که بی‌ولایت است «ذلک میت الاحیاء» مانند دیگران از بین می‌رود و از یاد می‌رود.

### سوره «کوثر»، گواهی بر زوال ناپذیری

اما این که زهرا (سلام الله علیها) آمد که بماند، تحلیل بخش پایانی سوره «کوثر» می‌تواند سبب این بحث باشد. در جریان سوره «کوثر» یعنی «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحَرْ إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَثَرُ»، مستحضرید که غالب مفسران شیعه و سنی گفتند که عده‌ای از صنادید قریش، مشرکان، بدخواهان و معاندان براساس همان سنت های باطلی جاهلیت گفتند: پیغمبر بعد از مردن، نام او و مکتب او و یاد او از بین می‌رود؛ برای این که او پسر ندارد . درباره دختر باورشان این بود که:

بنونا بنو آبئنا و بناتنا بنوهن أبناء الرجال الأباعد

این شعر، شعار رسمی جاهلیت بود. می‌گفتند که پسران ما و نوه‌های پسری ما اینها فرزندان ما هستند، اما نوه‌های دختری ما فرزند ما نیستند؛ اینها فرزند مردان دیگرند؛... و بناتنا بنوهن أبناء الرجال الأباعد. اینها برای زن حرمتی قائل نبودند؛ برای فرزندهای دختر حرمتی قائل نبودند. می‌گفتند به ما مربوط نیست و می‌گفتند: چون پیغمبر پسرش قبل‌آمرد و اکنون پسری ندارد و در و اواخر عمر به سر می‌برد و جز دختر چیزی از او نمانده است، با مردن او مکتب او و نام او و دین او سپری می‌شود و از بین می‌رود. آنها چنین شناسنی و چنین سرزنشی داشتند.

ذات اقدس الهی فرمود به این که تو برای همیشه می‌مانی برای این که من به تو چیزی دادم که هیچ کسی نمی‌تواند آن را از بین ببرد و به تو فرزندی دادم که حافظ و مجری آن چیز است. آن چیزی که به تو دادم قرآن است و آن کسی هم که حافظ قرآن، مفسر قرآن، مبین قرآن، معلم قرآن، مجری احکام و حدود قرآن است، فرزندان همین دخترند؛ فرمود: «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ»؛ این کوثر مصادیق فراوانی دارد. دین است، قرآن است و ولایت است. «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحَرْ إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَثَرُ»؛ یعنی آنهایی که تو را شمات می‌کردند، بدی تو را می‌خواستند، انقطاع نسل تو را می‌خواستند، ابر بودن تو را در نظر داشتند، آنها ابرزند؛ نه تو ابرتری.

این ابرتر، این وصف، چون در مقام تحدید است، مفهوم دارد. اگر بگویند فلان شخص ابرتر است، معنایش این نیست که دیگری ابرتر نیست؛ چون مفهوم ندارد، ولی اگر در لسان تحدید باشد (در ارزیابی حد گزارشی باشد)، در مرزبندی باشد، در تفکیک باشد؛ این مفهوم دارد. «أَنْ شَانِئَكَ هُوَ الْأَثَرُ»؛ یعنی تو ابرتر نیستی، آنها ابرزند. آنها منقطع النسل‌اند. تو منقطع النسل نیستی. نام او و نام آنها و یاد آنها از بین می‌رود و نام تو و یاد تو همیشه می‌ماند.

### پیامهای سوره «کوثر»

خب، تحلیل ذیل این سوره مبارکه «کوثر» نشانه آن است که چون در مقام تحدید است، دوتا پیام دارد. یکی این که دشمنان تو منقطع می‌شوند و از بین می‌روند؛ یکی این که تو از بین نمی‌روی و تو ابرتر نیستی؛ تو متصل و پیوسته‌ای.

اگر وجود مبارک پیغمبر دختر می‌داشت و لا غیر، بر اساس گمان باطلی و ظن جاهلی جاهلیت آن را ابرتر می‌پنداشتند، یک. و اگر پسر می‌داشت، پسرش نظیر پسر نوح بود، باز او ابرتر بود، دو. چون این پسر نه تنها سبب دوام دین پدر نمی‌شد، بلکه مایه انقراض دین پدر بود، سه. اگر فرزند می‌داشت فرزند بی تفاوت، کاری به دین نداشت، نه معاند بود، نه مخالف بود، نه مؤلف، باز هم این شخص ابرتر بود.



طول تاریخ اسلام برای آزادی و عدالت می‌جنگیدند، در توالی قرون، پرورش می‌یافت و در زیر تازیانه‌های بی‌رحم و خونین خلافت‌های جور و حکومت‌های بیداد و غصب، رشد می‌یافت و همه دل‌های مجروح را لبریز می‌ساخت.

این است که همه جا در تاریخ ملت‌های مسلمان و توده‌های محروم در امت اسلامی، فاطمه منبع الهام آزادی و حق‌خواهی و عدالت‌طلبی و مبارزه با ستم و قساوت و تبعیض بوده است. از شخصیت فاطمه سخن گفتن بسیار دشوار است. فاطمه، یک «زن» بود، آن چنان که اسلام می‌خواهد که زن باشد. تصویر سیمای او را پیامبر خود رسم کرده بود و او را در کوره‌های سختی و فقر و مبارزه و آموزش‌های عمیق و شگفت انسانی خویش پرورده و ناب ساخته بود.

وی در همه ابعاد گوناگون زن بودن، نمونه شده بود. مظهر یک دختر، در برابر پدرش. مظهر یک همسر در برابر شویش. مظهر یک مادر در برابر فرزندان. مظهر یک «زن مبارز و مسئول» در برابر زمانش و سرنوشت جامعه اش.

وی خود یک «امام» است؛ یعنی یک نمونه مثالی، یک تیپ ایده‌آل برای زن، یک «اسوه»، یک شاهد برای هر زنی که می‌خواهد «شدن خویش» را خود انتخاب کند. او با طفولیت شگفتش، با مبارزه مداومش در دو جبهه خارجی و داخلی، در خانه پدرش، خانه همسرش، در جامعه‌اش، در اندیشه و رفتار و زندگی اش، «چگونه بودن» را به زن پاسخ می‌داد.

نمی‌دانم چه بگویم؟ بسیار گفتم و بسیار ناگفته ماند. در میان همه جلوه‌های خیره کننده روح بزرگ فاطمه، آنچه بیشتر از همه برای من شگفت‌انگیز است این است که فاطمه همسفر و همگام و هم پرواز روح عظیم علی است.

او در کنار علی، تنها یک همسر نبود، که علی پس از او همسرانی دیگر نیز داشت. علی در او به دیده یک دوست، یک آشنای دردها و آرمان‌های بزرگش می‌نگریست و انیس خلوت بیکرانه و اسرارآمیزش و همدم تنهایی‌هایش.

این است که علی هم او را به گونه دیگری می‌نگرد و هم فرزندان او را. پس از فاطمه، علی همسرانی می‌گیرد و از آنان فرزندان می‌یابد. اما از همان آغاز، فرزندان خویش را که از فاطمه بودند یا فرزندان دیگرش جدا می‌کند. اینان را «بنی‌علی» می‌خواند و آنان را «بنی‌فاطمه».

شگفتا، در برابر پدر، آن هم علی، نسبت فرزند به مادر و پیغمبر نیز دیدیم که او را به گونه دیگر می‌بیند. از همه دخترانش تنها به او سخت می‌گیرد، از همه تنها به او تکیه می‌کند. او را - در خردسالی - مخاطب دعوت بزرگ خویش می‌گیرد.

نمی‌دانم از او چه بگویم؟ چگونه بگویم؟ خواستم از «بوسوئه» تقلید کنم، خطیب نامور فرانسه که روزی در مجلسی با حضور لویی، از «مریم» سخن می‌گفت. گفت: هزار و هفتصد سال است که همه سخنوران عالم درباره مریم داد سخن داده‌اند.

ملت‌ها در شرق و غرب، ارزش‌های مریم را بیان کرده‌اند. هزار و هفتصد سال است که شاعران جهان در ستایش مریم، همه ذوق و قدرت خلاقه شان را به کار گرفته‌اند.

هزار و هفتصد سال است که همه هنرمندان، چهره‌نگاران، پیکر‌سازان بشری، در نشان دادن سیمای و حالات مریم هنرمندی‌های اعجاز‌گر کرده‌اند.

اما مجموعه گفته‌ها و اندیشه‌ها و کوشش‌ها و هنرمندی‌های همه در طول این قرن‌های بسیار، به اندازه این کلمه توانسته‌اند عظمت‌های مریم را بازگویند که: «مریم (س)، مادر عیسی (ع) است».

و من خواستم با چنین شیوه‌ای از فاطمه بگویم. باز درماندم.

خواستم بگویم، فاطمه دختر خدیجه بزرگ است.

دیدم فاطمه نیست.

خواستم بگویم که فاطمه دختر محمد است.

دیدم که فاطمه نیست.

خواستم بگویم که فاطمه همسر علی است.

دیدم که فاطمه نیست.

خواستم بگویم که فاطمه مادر حسین است.

دیدم که فاطمه نیست.

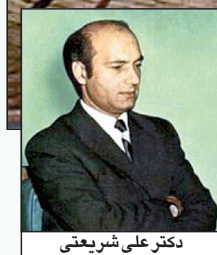
خواستم بگویم، که فاطمه مادر زینب است.

باز دیدم که فاطمه نیست.

نه، اینها همه هست و این همه فاطمه نیست.

فاطمه، فاطمه است.

\*\*\*به نقل از کتاب: «فاطمه فاطمه است»



دکتر علی شریعتی

## وداع علی با فاطمه

...و اینک لحظه وداع با علی(ع)!

چه دشوار است. اکنون علی باید در دنیا بماند. سی سال دیگر! فرستاد «ام رافع» بیاید. وی خدمتکار پیغمبر(ص) بود. از او خواست که:

— ای کنیز خدا، بر من آب بریز تا خود را شست و شو دهم. با دقت و آرامش شگفتی، غسل کرد و سپس جامه‌های نویی را که پس از مرگ پدر کنار افکنده بود و سیاه پوشیده بود، پوشید. گویی از عزای پدر بیرون آمده است و اکنون به دیدار او می‌رود.

به ام رافع گفت:

— بستر مرا در وسط اتاق بگستران.

آرام و سبکبار بر بستر خفت، رو به قبله کرد، در انتظار ماند.

لحظه‌ای گذشت و لحظاتی...

ناگهان از خانه شیون برخاست.

پلک‌هایش را فروبست و چشم‌هایش را به روی محبوبش - که در انتظار او بود - گشود.

شمعی از آتش و رنج، در خانه علی خاموش شد و علی تنها ماند. با کودکانش.

از علی خواسته بود تا او را شب دفن کند، گورش را کسی نشناسد و ... و علی چنین کرد.

اما کسی نمی‌داند که چگونه؟ و هنوز نمی‌داند کجا؟ در خانه‌اش؟ یا در بقیع؟ معلوم نیست.

و کجای بقیع؟ معلوم نیست.

آنچه معلوم است، رنج علی است، امشب، بر گور فاطمه.

مدینه در دهان شب فرو رفته است. مسلمانان همه خفته‌اند. سکوت مرموز شب گوش به گفت‌وگوی آرام علی دارد.

و علی که سخت تنها مانده است، هم در شهر و هم در خانه، بی پیغمبر، بی فاطمه. همچون کوهی از درد، بر سر خاک فاطمه نشسته است.

ساعت هاست. شب - خاموش و غمگین - زمزمه درد او را گوش می‌دهد. بقیع آرام و خوش‌بخت و مدینه بی‌وفا و بدبخت، سکوت کرده‌اند، قبرهای بیدار و خانه‌های خفته می‌شنوند.

نسیم نیمه شب، کلماتی را که به سختی از جان علی برمی‌آید، از سر گور فاطمه به خانه خاموش پیغمبر می‌برد.

— بر تو، از من و از دختری که در جوارت فرود آمد و به شتاب به تو پیوست، سلام ای رسول خدا.

از سرگذشت عزیز تو - ای رسول خدا - شکیبایی من کاست و چالاک‌ی من به ضعف گرایید. اما، در پی سهمگینی فراق تو و سختی مصیبت تو، مرا اکنون جای شکیب هست.

من تو را در شکافته گورت خواباندم و در میانه حلقوم و



## فاطمه و کمال

فاطمه اکنون در زندگی خجسته این جهانی خود از نیمه دهه دوم در گذشته است... کمی از نیمه آن در گذشته است... شاید یک سال... شاید دو یا سه سال... جوان شده و رشد کرده است... با شادابی شکوفا شده است... به پختگی جوانی رسیده است... در جوانی و زیبایی کمال یافته و در حلقه ی تکامل به اوج فزونی خود ره یافته است... آنان که می دیدند فاطمه همانند شکوفه ای شکوفا شده، بلند و کمر باریک، روشن رخسار و خوشبوی گردیده است، ناگزیر این پرسش شگفت انگیز در خاطر آنان درمی آمد که آیا این دختر سیاه چشم با خود قرار گذاشته است راه تجرد را در پیش گیرد، و آیا دوشیزه ماندن را بر شوی گرفتن برتری می نهد؟...

شگفت نیست اگر آنان این پرسش را از هم داشته باشند... زیرا فاطمه در رویش، پرورش و کمال روند و پیشرفتی تند و روحانی داشت... و سرزمین عرب طبیعتی دارد که دختر را زود به پختگی زنانگی می رساند، چنانکه گویی پرتو گرم خورشید در آن سرزمین، دختر را بر روی آتش پخته می کند!...

آنگاه آیین های تقلیدی و سنت های حاکم بر جامعه دختر را وادار به ازدواج می کند در حالی که نخستین دهه عمرش را سپری کرده یا در آستانه دهه دوم عمر خویش درآمده است، گاهی چند ماه یا چند روز از ده سال کمتر و گاهی چند ماه یا در نهایت یک سال بیشتر!...

همواره اندیشه های دوران جاهلیت در خردها و روان ها رسوبی پنهان دارد که پدر را در شوی دادن دخترش - که هنوز پوست کودکی از تن نیفکنده - می شتاباند. برای این که پدر از همان خطراتی بیم دارد که قوم وی و پدران و نیاکانشان آنها را بهانه قرار می دادند و با استدلال به آنها دختران را زنده به گور می کردند...

زیرا دختردار شدن در آن جامعه عربی ناپسند و بلایی آشکار بود... و کشته شدن دختران به دست پدران برای رهایی یافتن از ترس ننگ، زشت و نکوهیده نبود... و گاهی نیز پسندیده به شمار می آمد...

شاعر عرب از دیرباز گفته است: «هر پدری دختری دارد که چون نام داماد برده شود، برای ماندن آن دختر از سه داماد امید دارد: خانه ای که او را ببوشاند، شوهری که از او نگهداری کند و گوری که او را در خود پنهان سازد، و بهترین آنان همان گور است...» و این یکی از سخنان کوتاه دیرین عرب است: «دوست داشتنی ترین دامادها نزد من گور است...» و خدا آنان را با این رفتار نفرت انگیزشان در این آیات رسو فرمود که:

«و آنگاه که یکی از ایشان به دختری مژه داده شود، روی او سیاه می گردد و در خود اندوه می خورد. از رنج و شرم آن خبر از چشم مردم پنهان می شود که آیا او را به خواری نگهدار یا در خاک پنهان کند. هان چه بد حکمی است که آنان می کنند» (نحل، آیه های ۵۹-۵۸)

در این هنگام برای ما جای شگفتی نیست که مردمانی نزدیک به دوران جاهلیت، به دیر کرد ازدواج فاطمه از لایای عوامل محیط زندگی و آیین تقلیدی خود بنگرند و آن را مغایر با آیین عمومی اجتماعی و مخالف با رسوم معمول خود بدانند... زیرا آنان به واقعیت دسترسی نیافته بودند... اوضاع را به درستی بررسی نکرده بودند... دید آنان همه جوانب را در بر نگرفته بود، بلکه سطحی و وابسته به گذشته تاریک آنان بود و از همین روی رهایی یافتن از قید و بند اندیشه کهن جاهلی را برای آنان دشوار ساخته بود...

شگفت واقعی برای ما از کتاب ها و نوشته های بسیاری از مستشرقان دست می دهد. مستشرقانی که با قلم های خود آن دوران تازه از دولت اسلامی را به باد انتقاد گرفتند، و از روی تعصب و داوری یک طرفه، دست آویزهای دروغینی ساختند تا با آنها جایگاه والای آن بانو را پایین آورند و چهره ی روحانی و جسمانی او را در برابر خردها و چشم ها زشت کنند...

چه چیزی جز بداندیشی و نیت زشت می تواند آنان را به این دروغ پردازی ها و یاهو داری ها برانگیزد؟...

پدر او در میان مردم یکی از بزرگواران و پدر اندر پدر تا اسماعیل از والامشان است... ستایش ستایشگران بر ارزش او نمی افزاید. نکوهش نکوهشگران از ارزش او نمی کاهد. در میان جهانیان هیچ کس نیست که در بزرگواری ها با او هم چشمی کند. بزرگواری هایی که او را به اوج فضیلت و برتری رسانید و در این باور دشمنان و دوستان، چه آنان که پیامبریش را نپذیرفتند و چه

گفتند: «آیا نباید ما پاره ای از بار عائله ابوطالب را بر دوش بکشیم؟...» آنان نزد ابوطالب رفتند و از او خواستند فرزندان را به آنان واگذار کند تا هزینه زندگیشان را بر عهده بگیرند و یسار مخارج آنان را از دوش وی بردارند... آن پیر گفت: «پسرم عقیل را برابم بگذارید و هر کدام را که می خواهید بگیرید...» محمد گفت: «من آن را که خدا برایم برگزیده است انتخاب کردم...» و علی را که کوچک ترین فرزندان ابوطالب بود گرفت... و جعفر نیز بهره حمزه شد... و طالب بهره عباس...  
فاطمه زهرا در پرتو خورشید محمدی



فاطمه - حتی پس از این که محمد به پیامبری برگزیده شد، و برای گسترش دعوت آسمانی از خواسته های این جهانی دست کشید، و از کوشش پیوسته برای به دست آوردن روزی بازماند، و مبارزه او در راه دین با گذشت سال ها ثروت خدیجه را به پایان برد - همچنان به مانند دختری پرده نشین زندگی کرد. اگر چه زندگی آسان و آسوده ای نداشت... بگذار تا از خود پرسیم: آیا اندوه عیب است؟... بلکه دلیل بر رقیق بودن احساسات و تیزی هوش و دریافت است...

پس این سخن پردازی ها درباره دختر خردسالی که تازه در خانه پدر و مادرش به راه افتاده چیست؟ خانه ای که آن روزها به کار گران و پر اهمیت رسالت روی آورده است. کارگرانی که نه تنها از توان اندیشه خردسالان بلکه از درک بزرگان نیز فراتر است...

دوران پرورش و رشد زهرا نزدیک بود یکسره در گوشه گیری و عزلت نشینی سپری شود... زیرا دوران پرورش این کودک تنها، در فضایی آکنده از دلنگی، بی تابی و اندوه افتاده بود. پدر در چنین فضایی دختر را در بر می گیرد که پسرانش در گذشته اند و پس از آنان هیچ غمگساری ندارد جز این که بار سنگین نبوت نیز برای او از زمانی نه چندان دور آماده شده است و همواره از گرانی آن رنجی می برد که پشت کوه ها را خم می گرداند... مادر نیز در چنین فضایی دختر را در بر می گیرد که از چهل سالگی در گذشته است، و تنها این دختر که تازه به راه افتاده، برای او در گوشه خلوت خانه اش باقی مانده است. او کوچکترین فرزندان وی است. سوگند به جان حق که مهرورزی بر کوچکترین فرزند پس از درگذشتن یا کوچ کردن همه ی فرزندان، مهرورزی و دلسوزی است آکنده از دلنگی و بی تابی و اندوه...

زهرا از دو قلب بزرگ پدر و مادر خود اینگونه مهرورزی و دلسوزی را دریافت کرده بود. مهربانی و دلسوزی که شایسته بود به او درس سنجینی و وقار بیاموزد، نه سبکی و شادی و گشاده رویی... سخن پردازی درباره دختری که هنوز دوره کودکی را به سر نبرده، آغوش گرم و پر

مهر مادر را از دست می دهد، برای چیست؟... فاطمه پس از درگذشت مادر مسئولیت خانه ای را بر دوش ناتوان خود می کشد که هیچ خانه ای همانند آن نیست. زندگی در آن پیوسته با جزر و مدی روان است که هر دوی آنها تا دورترین مرزهای خود پیش می رود. جزر و مد می یابد چون از یک سو به دستگیری و یآوری نیاز دارد و از سوی دیگر زیر بار خرمن ها مشکلات از پای درمی آید و فرومی افتد...

فاطمه به انجام کارهای پدر خود که مرگ، شریک زندگی اش را ربوده برمی خیزد. شریک زندگی یی که عشق و پشت گرمی اش را به شوی خود پیشکش می کرد. با همه توان جانی و مالی خود برای گسترش رسالت همسرش آن چنان برمی خاست که مردان چالاک با اراده های آهنین توان آن را نداشتند. برای نگهداری از دین خدا چنان می کوشید که مردم او را پرستار اسلام می نامیدند...

فاطمه همراه پدر خود با رنج و درد خواری ها و تکذیب ها و شکنجه هایی که قوم پدرش روز و شب بر وی وارد می آوردند زندگی می کرد و نهایت کوشش وی برای بازداشتن گزند آنان از پدر این بود که چند قطره اشکی پیش روی وی بیفشاند و فروتنانه برای او دعا کند... احساس فاطمه در این هنگام از یک سو احساس دختری است وفادار و از سوی دیگر احساس مادری است مهربان...

شب ها و روزها بر فاطمه می گذرد و از هر رویدادی ناگوار برای وی سالی سپری نمی شود که یکی از محبوب ترین خانواده اش درمی گذرد و چشم او را اشکبار می کند یا شهادی خون خود را در راه اسلام نثار می کند و او را به سوگواری و مرثیه سرایی وادار می سازد...

مادرش هنگامی از نزد او به جهان دیگر رخت برپست که وی جوانه ای تازه و ناشکفته بود و هنوز چوب آن جوانه سخت و استوار نشده بود... عمو، بزرگوارش ابوطالب به دیدار پروردگارش میشت، عمویی که برادرزاده اش محمد در پناه او همچون تخته سنگی از پیکان پیش آمدهای ناگوار پناه می جست... خورشید خواهران محبوبش: رقیه، زینب و ام کلثوم، از آسمان دنیای او فرونشست...

مرگ شاخه زندگی برادرش ابراهیم را خشکانید. ابراهیمی که نور چشم پدر بود و قلب تپنده وی که بیرون از سینه در پیش چشمان، نمایان بود و پدری که به پیری رسیده و از شصت سالگی در گذشته بود... و پیش از همه اینها مرگ دو برادر دیگرش قاسم و عبدالله را نیز در ربوده بود. آنان هنگامی از این جهان رفتند که فاطمه جانی بود در شکم غیب و هنوز گاه بیرون آمدنش به سوی نور فرارسیده بود...

برخی از آن عزیزان در زمان حیات فاطمه درگذشتند و برخی پیش از به دنیا آمدنش. فاطمه از درگذشت آنان که با چشم خود می دید رنج ها می برد و آن رویدادهای ناگوار او را نگویند می کرد، و از درگذشت آنان که خود ندیده بود با سخنانی که از دهان ها به گوشش می رسید سخت رنجور می شد... زیرا گاهی سخن از خاطره های گذشته قلب را بیشتر به درد می آورد تا سخن از رویدادهای کنونی...

اینک اگر فاطمه از این همه ناگواری ها اندوهگین نباشد، چه هنگام باید اندوهگین باشد؟... بلکه طبیعی است که درد اندوه بر او چیره آید و همواره فاطمه همنشین اندوه و همدم غم و افسرده و دلنگ باشد... و به راستی اگر فاطمه نمی توانست از چیزی که برای او رنج آور است، احساس اندوه کند، از نفسی سالم و روانی درست برخوردار نبود...

پیامبر به فاطمه فرمود: «به راستی که خدا با خشم تو خشمگین و با خشنودی تو خشنود می شود...» آیا فاطمه از سوی پروردگارش می تواند شایسته چنین جایگاهی باشد، مگر آنگاه که به بالاترین پایگاه های کمال رسیده باشد؟...

با مقداری تلخیص



## تاملی آسیب شناسانه در شعر فاطمی

## ما «قدر» تو را در این جهان گم کردیم



رضا اسماعیلی



کوثر، آیه تطهیر، آیه مودت و آیه اطعام و احادیثی چون حدیث بضعه و حدیث لولاک، و همچنین پرداختن به مسائلی از قبیل: عبودیت و بندگی، مبارزه با جهل، خرافات و تحریفات، موضع هوشمندانه حضرت زهرا در ماجرای سقیفه، ولایت مداری و پیروی از امیرمؤمنان علی(ع) به عنوان ولی و حجت خدا، افشای چهره منافقانه غاصبان خلافت، عفت و نجات، مکتب تربیتی فاطمی، و... در شرایط حساس فعلی جهان اسلام واجب تر و مقرون به صواب تر از واکاوی و کالبدشکافی داستان مزار پنهان آن حضرت، و طرح مسائل اختلاف انگیزی چون فدک، و دیوار و در و... است. غفلت از حوزه های مورد اشاره در شعر فاطمی منجر به ارایه تصویری نیمرخ و ناقص از شخصیت والای اسوه بانوان جهان حضرت فاطمه زهرا(س) در آینه شعر فارسی شده است که باید به بازسازی و مرمت آن پرداخت.

جان کلام آن که شعر فاطمی باید شعر فضیلت ها و ارزش ها باشد. شعری که ما را به سرمزول سعادت و رستگاری رهنمون شود و «سبک زندگی اسلامی» را برای ما تبیین و تشریح کند. شعر فاطمی باید سرمشق عشق، حماسه، عرفان، حکمت، پایداری، ستم‌سوزی، استکبار ستیزی، حتی طلبی و عدالت‌خواهی باشد. اگر ما شاعران آیینی چیزی غیر از این بگوییم، و به گونه‌ای دیگر ببیندیشیم، به یقین راه به خطا برده و از مسیر روشن و سعادت‌بخش سیره نبوی و فاطمی فاصله گرفته ایم که هرگز این چنین مباد.

به امید روزی که شعر فاطمی از زیر آوار «دیوار و در» بیرون بیاید و جانی تازه بگیرد، تا شاعران آیینی با جوهر «محبت و معرفت» سیمای با شکوه و پر صلابت حضرت زهرا (س) را بر بوم فضیلت به تصویر بکشند. حسن ختام این یادداشت را به دو «فاطمی سروده» اصیل و فاخر از دو شاعر معاصر - قیصر امین پور و عبدالجبار کاکایی - اختصاص می‌دهم و دامن سخن را بر می‌چینم.

۱ - قیصر امین پور:  
صدایی به رنگ صدای تو نیست  
به جز عشق نامی برای تو نیست  
شب و روز تصویر موعود من  
در آینه جز چشمانی تو نیست  
تن جاده از رفتن چنان گرفت  
رگ راه جز رد پای تو نیست  
مزار تو بی مرز و بی انتهاست  
تو پاک و این خاک جای تو نیست  
به تشییع زخم تو آمد بهار  
که جز سبز، رخت عزای تو نیست  
کسی کز پی اهل مرهم رود  
دگر شیعه‌ی زخم‌های تو نیست  
به آن زخم‌های مقدس قسم  
که جز زخم، مرهم برای تو نیست

۲ - عبدالجبار کاکایی:  
مثل ابری و نم بارانش  
مثل خورشیدی و تابستانش  
مثل بی تاب‌ی دریا بر خاک  
موج بی وقفه و بی پایانش  
بحر غلغل زد و چون مروراید  
ریختی در صدف جوشانش  
تو دمدیدی که بر آید از خاک  
تا ابد باغ گل و ریحانش  
تو شکفتی که پس از این انسان  
طعنه بر سنگ زند ایمانش  
کوثر نور شدی تا برسد  
ملک جاوید به فرزندان  
ولی افسوس که تاریخ نبود  
خال‌ی از مکر و دم و دستانش  
پرکشیدی و نمایی در گل  
مثل عطری از قفس گلدانش  
سوختی در کلمات واعظ  
بر سر منبر نامیزانش  
له شدی بین در و دیوارش  
گم شدی بین لب و دندان  
رمز طوبی چه بگوید وقتی  
پی نبردست به باغستانش  
«فَطَمَتِ فاطمه من شر»  
شر ایست معرکه و دکانش  
«فَطَمَتِ فاطمه من زاهد»  
که ندارد خبر از عرفانش  
یاوه گویی که به مقصد نرسد  
دور بی حاصل و بی پایانش  
مار گیری که ازو نشنیدم  
جزیه‌بوی نی و انباشش  
ابر می نالد و باران بی تاب  
که چه شد قطره سرگردانش  
موج می پرسد و ساحل خاموش  
که کجا رفت دُر غلظانش؟  
نازینسی که بر او برهان شد  
سوره مختصر قرآنش  
آفتابی شد و از شدت نور  
کرد از چشم جهان پنهانش

اهل بیت پیام دیگری به همراه دارد؟

از آنجا که می‌دانم همه این شعرها در محبت خاندان رسالت ریشه دارد و سراینده‌گان آنها از مُحبان و پیروان صادق اهل بیت (علیهم السلام) هستند، می‌خواهم توجه این دل‌شدگان خاندان رسالت را به حدیثی از امام حسین عسکری جلب کنم که فرمود: «تَقَوُا اللَّهَ وَ كُونُوا زَيْنًا وَ لَا تَكُونُوا شَيْنًا، جُرُّوا إِلَيْنَا كُلَّ مَوَدَّةٍ، وَ ادْفَعُوا عَنَّا كُلَّ قَبِيحٍ، فَإِنَّهُ مَا قِيلَ فِينَا مِنْ حَسَنٍ فَتَحْنُ أَهْلَهُ، وَ مَا قِيلَ فِينَا مِنْ سُوءٍ فَمَا نَحْنُ كَذَلِكُ» // «بحارالأنوار، ج ۷۵، ص ۳۷۲» «تقوی الهی را - در همه امور - رعایت کنید، و زینت‌بخش ما باشید و مایه تنگ ما قرار نگیرید، سعی کنید افراد را به محبت و علاقه ما جذب کنید و زشتی‌ها را از ما دور نمایید. در باره ما آنچه از خوبی‌ها بگویند صحیح است و ما از هرگونه عیب و نقیصه مبرا خواهیم بود»

شعر فاطمی علیه «شعر فاطمی»!

شاعران و ذاکران نازنین اهل بیت! بیایید کلاه‌مان را قاضی کنیم. با توجه به حدیث بالا، به راستی شعرهایی از جنس زیر - به مصداق مشت نمونه خروار است - را در مسیر خدمت به خاندان رسالت می‌دانید، یا ...؟

روضه ام، باسمه تعالی... در...

می زند جای دست پا... در...

بین دیوار و در به صوت حزین

ناله می زد علی علی تا... در...

یا :

چه بساطی شد! خدا را شکر سلمان زنده بود

گفت چادر از سرم افتاد، دستم بسته بود

زیر چشمان زن من جای دست مرد بود

زیر چشمانش ورم افتاد، دستم بسته بود

یا :

ز درد سینه و پهلوی به خویش می پیچید

میان بستر خود دست و پا زد و جان داد

یا :

بدجور شکستند غرور پسرش را

یک عمر فقط ناله «نامردا زن» داشت

یا :

هیزم آورده که آتش بزند این در را

پشت در حضرت زهراست، خدا رحم کند

ما «قدر» تو را در این جهان گم کردیم!

خوردیم زمین و آسمان گم کردیم

در عالم خاک، بوی جان گم کردیم

قبر تو نه، می‌خورم به قرآن سوگند

ما «قدر» تو را در این جهان گم کردیم!

نگاه معقول و منطقی به دین، پرهیز از برداشت‌های سطحی، پرهیز از بیان مسائل جعلی و توهمی، اتصال حوادث صدر اسلام با حوادث امروز، ظلم ستیزی، مبارزه با کفر و فساد، پیروی عملی از خاندان رسالت، بیان مضامین عالی، استفاده از ادعیه و مناجات‌ها، تبیین سبک زندگی اسلامی، پرداختن به مبانی اخلاقی، سیاسی و فرهنگی، تربیت شاعرانی در تراز حافظ و سعدی و صائب، و خواندن دواوین بزرگان از عمده ترین کلدواژه های مورد تاکید مقام معظم رهبری است که در شعر آیینی فاخر باید بیش از سایر موضوعات مورد توجه قرار گیرد.

در مورد حضرت زهرا نیز شرح و تفسیر هنرمندانه و منظوم خطبه ها، و آیاتی که در شان آن حضرت نازل شده از قبیل: سوره

هر چه می خواهد دل تنگت، مگو!

توجه به این نکته کلیدی ضروری است که ساحت شعر آیینی، ساحت «هر چه می خواهد دل تنگت بگو» نیست. در این عرصه، مضمون یابی مثل عرصه «آزاد سروده ها» صرفا یک کار ذوقی و سلیقه ای نیست و شاعر نمی تواند تنها و تنها به مدد قدرت تخیل، تصویر پردازی و صنعتگری، به هر مضمون غریب یا خوشایندی چنگ اندازد و سیمای بزرگان دین را به هر گونه ای که دوست دارد بر بوم شعر به تصویر بکشد.

در این وادی، شاعر باید امین، صادق، متخلق به اخلاق اسلامی و آراسته به ادب قرآنی باشد و در دایره آموزه های مبتنی بر دین و برگرفته از قرآن حرکت کند. به تصویر کشیدن سیمای بزرگان دین در شعر آیینی باید دقیقا منطبق بر سیره عملی و سلوک ایمانی و قرآنی آن بزرگواران باشد. فرایند خیال پردازی و پرواز ذهنی شاعر در این وادی، باید اندیش‌سپیده و رسالت‌مندانه باشد تا شاعر بتواند چهره ای واقعی، بی تحریف و پیراسته از خرافات را از ائمه هدی (علیهم السلام) به تماشا بگذارد، سیمایی روشن و زلال که قابلیت الگوبرداری از آن برای زندگی انسان معاصر وجود داشته باشد.

شاعر آیینی، سخنگوی آیین است

با عنایت به آنچه گفته شد، شاعر آیینی نمی تواند و «نباید» افسار ذهن و زبان خود را تنها و تنها به دست خیال وحشی بسپارد و همچون سایر عرصه ها بر طبل «خلاف آمد عادت» بکوبد و خواهان «سعادت» باشد، چرا که در این عرصه «خلاف آمد عادت» معنا ندارد. زیرا در این عرصه، شاعر بر مسند انبیاء و اولیاء الهی که رسالت شان اصلاح گری و تربیت نفوس است تکیه زده است. مقام شاعر در این وادی، مقام سخنگوی یک مکتب و آیین است و سخنگو در مقام سخنگویی نمی تواند و نباید بیان کننده مواضع و دیدگاه های خویش برای پیروان و سالکان آن مکتب باشد. اگر در عرصه های دیگر می توان بدون هیچ آداب و ترتیبی سخن گفت، اینجا اتفاقا باید «ادب و اداب» را به جا آورد و آن گونه ظاهر شد که «محبوب» می خواهد. عرصه شعر آیینی، مقام خودبینی، خودرایی و خودخواهی نیست، مقام ذوب شدن در «محبوب» و «فنا فی الله» است، چنان که سعدی شیرازی- که رحمت خدا بر او باد- می گوید:

گویند تمنایی از دوست بکن سعدی

جز دوست نخواهم کرد، از دوست تمنایی

در واقع، در این وادی، دیگر «امن» و «مبنی» نیست و هر چه هست «او» است و دقیقا رمز سربلندی شاعران آیینی نیز در همین نکته و دقیقه ظریف نهفته است، چنان که «هلال جغتایی» می گوید:

جایی رسیده ایم که از خود گذشته ایم

از خود گذشته ایم و به جایی رسیده ایم

بی توجهی به وحدت جهان اسلام  
و اما آنچه انگیزه نوشتن این یادداشت کوتاه شد، مرور بعضی از شعرهایی بود که این روزها با پیشانی نوشت «شعر فاطمی» در فضاهای مجازی و کانال های تلگرامی و ... منتشر شده است. شعرهایی که علی رغم عنوانش، علاوه بر این که - در صورت و سیرت - نسبت چندانی با شعر فاطمی ندارند، در مواردی نیز در نقطه مقابل سیره فاطمی ایستاده اند!

هر چند که در حسن نیت و اخلاص شاعران این شعرها شکی نیست، ولی نکته ای که متأسفانه در شعر این عزیزان مورد غفلت قرار گرفته است، بی توجهی به «وحدت کلمه» و شرایط حساس جهان اسلام و توطئه های رنگارنگ دشمنان قسم خورده اسلام و انقلاب - صهیونیسم، وهابیت، تکفیری ها (طالبان، القاعده، داعش و ... ) است. چنان که مقام معظم رهبری هم می فرمایند:

«یک شمشیر در دست دشمنان ما، همین اختلافات مذهبی است. علنی کردن اختلافات، صریح کردن مخالفت های اعتقادی، به زبان آوردن مطالبی که کینه‌ها را برمی‌افروزد، یکی از وسایلی است که دشمن ما از آن بیش ترین استفاده را دارد می‌کند. حالا [اگر] ما جوری عمل بکنیم که این مقصود دشمن برآورده بشود، این «بدلوا نعمت الله کفر» است.

در جلسات نباید کینه ورزی‌های مذهبی را زیاد کرد؛ این را چقدر باید تکرار کرد؟ بارها تکرار کرده‌ایم؛ بعضی حاضر نیستند [کوش کنند]. شما اگر بخواهید آن کسی را که موافق مذهب شما نیست و عقیده‌ی حق شما را قبول ندارد هدایت کنید، چه کار می‌کنید؟ اول شروع می‌کنید به مقدسات او بدگویی کردن و دشنام دادن؟ این که به کلی او را از شما دور خواهد کرد و امید هدایت او را به صفر خواهد رساند. راه این کار این نیست.» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مداحان آل الله / ۳۱ فروردین ۱۳۹۳)

این که ما در شعر فاطمی همچنان بر طبل بزرگ نمایی اختلافات تشیع و تسنن بکوبیم و از تاریخ پر شکوه اسلام و سیره عملی حضرت فاطمه زهرا (س) جز به ماجرای «دیوار و در» و «فدک» نپردازیم - آگاهانه یا ناآگاهانه - اب ریختن در آسیاب دشمن است. امروز خلاصه کردن شعر فاطمی در «دیوار و در» و «فدک» و ...، ظلمی بزرگ به اسلام و همچنین پاره تن پیامبر اکرم (ص) است.

او روح حماسه، مادر عاشورا است

دیوار و در و فدک... حکایت این نیست

زهرا زن سرشکسته‌ی مسکین نیست

او روح حماسه، مادر عاشورا است

بسر چهره کوه، از مصیبت چین نیست

این که در سروده های خود حضرت زهرا(س) رازنی مستاصل، افسرده، شکست خورده و مغموم معرفی کنیم که در گوشه انزوا با گریه بر مصائب خویش روزگار می گذراند، با روح شعر فاطمی در تقابل نیست؟ همچنین به تصویر کشیدن سیمای حضرت امیر (ع) به عنوان مردی به اسارت در آمده و ناگزیر که در برابر این مظالم جز تماشا کار دیگری از دستش بر نمی آید، آیا جز ذلت و زبونی





## چهل سال پیش...

تمامی مطالب از روزنامه اطلاعات روز یکشنبه ۳۰ بهمن ماه ۱۳۵۶ (برابر با ۱۱ ربیع الاول ۱۳۹۸ و ۱۹ فوریه ۱۹۷۸) نقل شده است

## تظاهرات تبریز ۶ کشته و ۱۲۵ نفر مجروح داشت

تهران - خبرگزاری پارس - دیروز طی اغتشاشاتی که بوسیله چند گروه از افراد در تبریز روی داد چند محل به آتش کشیده شد و شیشه‌های تعدادی از مغازه‌ها در هم شکست.

قبلا اعلام شده بود که عده‌ای در مساجد و تکیا اجتماع خواهند کرد لکن بر اثر تحریکات پاره‌ای عوامل شناخته شده که خود را مارکسیست اسلامی مینامند چند گروه در خیابانها بر راه افتادند و در حالیکه شعارهای کمونیستی و ضدملی میدادند به مغازه‌ها و بانک‌ها حمله میبردند.

این افراد در طول راه تعدادی از وسائط نقلیه را نیز آتش زدند و سرانجام با دخالت مأموران انتظامی متفرق شدند.

طبق گزارش رسیده از تبریز تظاهرکنندگان که شعارهای ضدملی میدادند در جریان تظاهرات خود دهها اتومبیل، مغازه و سینما را آتش زدند. درگیری گروه‌های تظاهرکننده، با افراد پلیس و مأموران ارتش، تا ظهر امروز بطور پراکنده در تبریز ادامه داشت. امروز در تهران رسماً اعلام شد که در حوادث دیروز تبریز ۶ نفر کشته و ۱۲۵ نفر مجروح شدند. دو نفر افسر و ۹ نفر مأمور انتظامی جزو مجروحین هستند. در این حوادث ۷۳ بانک مورد حمله قرار گرفت که چهارتای آنها طعمه حریق شد. از طرف دیگر ۸ سینما مورد حمله قرار گرفت که یکی از آنها یعنی سینمای کاخ جوانان طعمه حریق شد. تظاهرکنندگان ۲۲ مغازه و چهار هتل را نیز آتش زدند.

## کویت دانی جان ناپلئون را میخرد!

چند کشور خارجی از جمله همسایگان ایران خواهان نمایش سربال دانی جان ناپلئون در تلویزیون‌های خود شدند. طی مذاکراتی که تلویزیون کویت با تلویزیون ایران بعمل آورد، بزودی پخش این سربال از تلویزیون کویت آغاز خواهد شد. مسئولان پخش تلویزیون کویت سربال دانی جان ناپلئون را دیده و آنرا پسندیده‌اند و آمادگی خود را برای خریداری این مجموعه ایرانی اعلام کرده‌اند در حال حاضر مذاکره برای خرید دانی جان ادامه دارد.

این نخستین مجموعه ایرانی است که در یک تلویزیون خارجی نمایش داده می‌شود.

## دانشگاه بزرگ اسلامی باید از هر حیث ممتاز باشد

اوامر شاهنشاه آریامهر درباره تشکیل دانشگاه بزرگ اسلامی وابسته به آستان قدس رضوی در شرفیابی دکتر عبدالعظیم ولیان نیابت تولیت آستان قدس رضوی و استاندار خراسان بشرح زیر شرفصدور یافت. ۱- بابتوجه به هدفهای مورد نظر از تاسیس دانشگاه بزرگ اسلامی باید با مطالعه سوابق و ضوابط و روش کار دانشگاه‌های معتبر اسلامی در کشورهای دیگر و دانشگاه‌های کشورهای غربی و با توجه کامل به وضع دینی و فرهنگی ایران و سوابق مدارس دینی گذشته و حال و موضع ایران در تمدن اسلامی باید اساس تشکیل دانشگاهی پی‌ریزی شود که از هر حیث در خورشان دین مبین اسلام و شاهنشاهی ایران بوده و در بین تمام سازمانهای آموزش عالی داخل و خارج کشور در نوع خود ممتاز باشد.

## برنامه بازسازی بازار تهران

کمیسیون متشکل از عوامل فنی شهرداری پایتخت و کارشناسان وزارت فرهنگ و هنر مأمور بررسی استحکام و نحوه بازسازی بازار بزرگ تهران شدند تا هر چه زودتر از خطر ریزش آن قسمت‌هایی که جان مردم را تهدید میکند، جلوگیری شود. شهرداری پایتخت از وزارت فرهنگ و هنر خواسته است بخاطر حفظ جان مردمی که به بازار تهران رفت و آمد میکنند و نیز صاحبان حجره‌های واقع در بازار ترتیبی اتخاذ شود که بازار به نحو مطلوبی نوسازی شده و یا قسمت‌های خطرناک آن تخریب گردد.

## ساختمان فرودگاه بزرگ تهران چهارشنبه آغاز میشود

ساختمان فرودگاه بزرگ تهران روز سوم اسفندماه (چهارشنبه این هفته) در جاده تهران - ساوه آغاز خواهد شد. این فرودگاه با اعتباری معادل ۶۰۰ میلیون ریال ساخته میشود و سازنده آن همان سازنده فرودگاه اورلی پاریس است. مساحت فرودگاه بزرگ تهران حدود ۱۴۰ میلیون مترمربع است که جزو بزرگترین فرودگاه‌های جهان محسوب خواهد شد. وسعت فرودگاه بزرگ تهران این امکان را فراهم میسازد که سالن پروازهای مسافری داخلی و خارجی و حمل و نقل بار از یکدیگر مجزا باشند. برای رفت و آمد باین فرودگاه ترن برقی و یک اتوبان نیز احداث میشود.

## قالب امروز



نمایی از شهر رشت در ایام فاطمیه

## سرایه

ز بازی غریب فلک آه می‌کشید  
از زخم‌های خورده نمک آه می‌کشید  
آن چهره‌ای که تاب‌نسیم سحر نداشت  
حتی ز باد بال ملک آه می‌کشید  
حالا چه آمده به سرش که تمام شب  
از جای زخم‌های فدک آه می‌کشید  
اوبار شیشه داشت که در کوچه خردش  
آینه بود و غرق ترک آه می‌کشید  
حسن لطفی

## پندبزرگان

— برای آنکه در زندگی دچار لغزش نشوی، همواره قلب خود را پاک نگه دار.  
— چیزی که دانش می‌آراید، راستی است.  
— بشر در این دنیا بیشتر از همه موجودات مصیبت و عذاب کشیده است، بهترین دلیلش هم این است که در بین تمام آنها فقط اوست که می‌تواند بخندد.

نیچه

۴۶۴۲

## جدول شرح در متن

غلامحسین باغبان

مؤلف کتاب	نوعی همسایه!	برقراری ارتباط حرف هینلری	مزه اول خرماول کج و منحرف	سوگووار	چهره سورته «تجیر»
ثروت ملل	۱	۱	۱	۱	۱
سمت چپ	۱	۱	۱	۱	۱
نور اندک	۱	۱	۱	۱	۱
سفید آذری	۱	۱	۱	۱	۱
سیر و سیاحت	۱	۱	۱	۱	۱
سوره ۹۸ قرآن	۱	۱	۱	۱	۱
عدد حرکت	۱	۱	۱	۱	۱
خرس فلکی	۱	۱	۱	۱	۱
خشمگین	۱	۱	۱	۱	۱
فانکه	۱	۱	۱	۱	۱
باغیر و مطلع	۱	۱	۱	۱	۱
قطع کردن	۱	۱	۱	۱	۱
۱	۱	۱	۱	۱	۱

حل

۴۶۴۱

## امروز در تاریخ

## رضاخان پهلوی فرمانده کل نیروهای مسلح ایران شد

چهار روز پس از تصویب مجلس شورای ملی، ژنرال رضاخان پهلوی رسماً خود را فرمانده کل نیروهای مسلح ایران اعلام داشت. مجلس شورا در جلسه ۲۶ بهمن ماه ۱۳۰۳ خود به رغم مخالفت هواداران سلطان احمد شاه قاجار، فرماندهی کل قوا (نیروهای دفاعیه و تأمینیه) را از شاه وقت سلب کرد و به ژنرال رضاخان داد. در آن زمان رضاخان پهلوی رئیس الوزراء و وزیر جنگ بود.

در مصوبه پارلمان اضافه شده بود که بدون رای مجلس این سمت از ژنرال رضا خان سلب نمی تواند بشود.

**اعدام مردی که مخالفان سیاسی را با آمپول هوا می کشت**  
رای دادگاه جنایی تهران سی ام بهمن ۱۳۲۲ درباره متهمان به قتل زندانیان سیاسی با تزریق آمپول هوا و وسائل دیگر صادر شد.

این وقایع زندان، پیش از شهریور ۱۳۲۰ (اشغال نظامی ایران) و تغییر رئیس کشور روی داده بود. طبق حکم دادگاه جنایی تهران، پزشک احمدی (پزشک زندان) به اعدام و سرپاس [سرتیپ پلیس] مختاری که در زمان ارتکاب این قتل ها رئیس شهربانی بود به ۱۰ سال زندان محکوم شده بود.

## اختراع گرامافون

توماس ادیسون در این روز از سال ۱۸۷۸ اختراع خود گرامافون (دیسک) را به ثبت داد. ادیسون که در آهایو آمریکا به دنیا آمده، در میشیگان بزرگ شده و هلندی تبار بود در جوانی در کار تلگراف مشغول بود. وی اختراعات متعدد دیگر دارد از جمله ساخت لامپ برق. واژه فنوگراف از دو ریشه یونانی به معنای «صدانگار» ساخته شده است. انگلیسی ها عمدتاً به جای فنوگراف از واژه گرامافون برای نامیدن این دستگاه که در ایران «جعبه ساز» گفته می شد و صفحه صدا (موسیقی) ساز و آواز) پخش می کرد استفاده می کنند.

## «میر» نخستین ایستگاه فضایی جهان

روس ها (دانشمندان شوروی وقت) ۳۰ بهمن ۱۳۶۵ ایستگاه فضایی «میر» را به فضا فرستادند. این نخستین ایستگاه فضایی برای اقامت طولانی فضانوردان بود که بشر به مدار زمین فرستاد.

www.iranianshistoryonthistday.com

۲۱۲۹

## سودوکو

۸				۳	۵		۱	۷
				۲				۵
۶	۳		۴				۸	۲
				۷			۳	
۳	۶	۴		۸			۵	۷
		۱		۴				
	۹	۸			۲		۶	۴
۲				۹				
۷	۵		۱	۶				۸

۶	۵	۴	۱	۸	۷	۳	۹	۲
۳	۹	۲	۶	۵	۴	۱	۸	۷
۱	۸	۷	۳	۹	۲	۶	۵	۴
۴	۶	۵	۷	۲	۱	۸	۳	۹
۸	۱	۳	۴	۶	۹	۷	۲	۵
۷	۲	۹	۵	۳	۸	۴	۶	۱
۹	۴	۶	۸	۷	۵	۲	۱	۳
۵	۳	۱	۲	۴	۶	۹	۷	۸
۲	۷	۸	۹	۱	۳	۵	۴	۶

حل ۲۱۲۸